

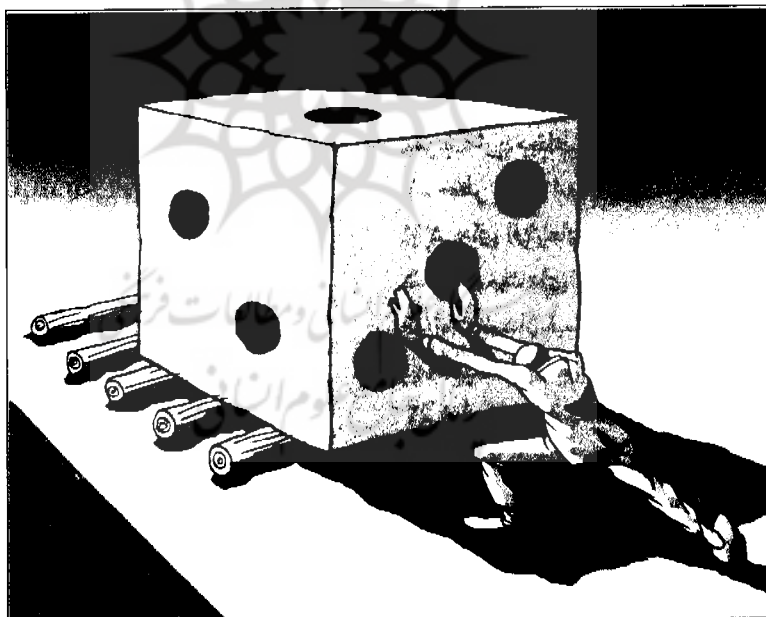
# شفافیت و افشاگری در صورت‌های مالی مؤسسات مالی اسلامی

بحران‌های مالی، به ویژه در کشورهای اسلامی، افشای اطلاعات بر مسائل مالی و اعتباری نابسندگی افشای افکار و عقاید غیر دینی و غیر شرعی و غیره در صورت‌های مالی و سایر اسناد مالی و غیره

ترجمه: دکتر کیهان مهام

امیر پوریان‌نسب

By: Nayef F AL-Hajraf



می‌شد. این گفته‌ها با فرضیه‌ی علامت‌دهی، که از سوی واتز و زیمرمن (Watts and Zimmerman 1986) مطرح شده است، سازگاری دارد.

هدف این مقاله، ارائه‌ی نتایج بررسی اجمالی نوشته‌های مربوط به شفافیت در گزارشگری خطر در حوزه‌ی بانک‌های اسلامی است. در بخش دوم مقاله درباره‌ی موضوعات

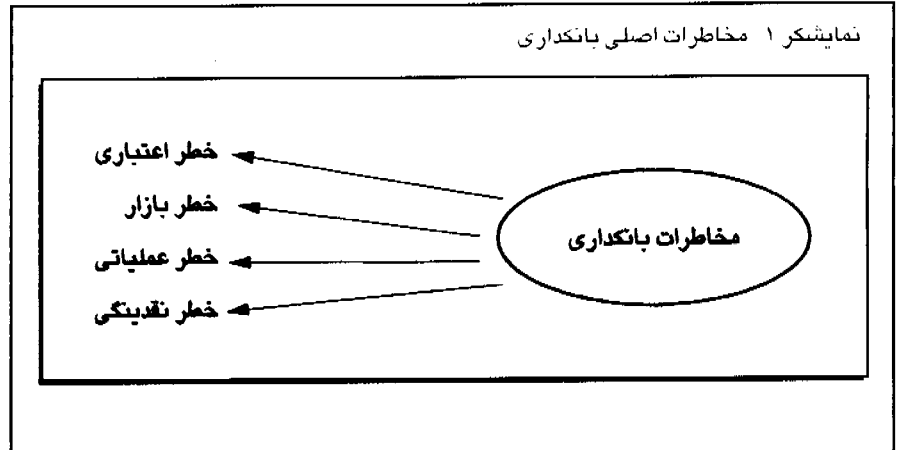
خطر و شفافیت در بانک‌های سنتی بحث می‌شود. بخش سوم، به ویژگی‌های یگانه‌ی بانک‌های اسلامی و چگونگی تاثیر شفافیت بر این بانک‌ها می‌پردازد. بخش چهارم، نحوه‌ی فعلی گزارشگری خطر در بانک‌های اسلامی و بانک‌های سنتی را مقایسه می‌کند.

سخن‌طراوت، بانک‌های سنتی

اصطلاح "خطر" را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: نوسان

بحران‌های مالی اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ بعضی از ضابطه‌گذاران کشورها و بانک‌ها را مستوجهی ضرورت ارتقای شفافیت در گزارشگری مالی خطر نمود. پژوهش‌های اخیر این باور را القا می‌کنند که این بحران‌های مالی، به ویژه در کشورهای آسیای شرقی، علاوه بر مسائل

دیگر معلول نابسندگی افشای خطر، به ویژه خطر مبادلات ارزی، در گزارش‌های مالی بانک‌ها است، [مراجعه شود به فونس (۱۹۹۸) و رحمان (۱۹۹۸)]. اگر افشای کافی تهدیدها به صورت دوره‌ای ارائه یا الزامی می‌شد شاید بانک‌ها مدیریت خطر را به‌نحوی بهتر انجام می‌دادند، یا حتی اجازه می‌دادند سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان بین‌المللی نگرانی خود را با گذشت زمان بروز دهند، و در نتیجه از خروج ناگهانی سرمایه از منطقه جلوگیری



نرخ‌های ارز که نوسان‌های مستمر وضعیت ارزی را در پی دارد، در حالی که تبلور بعضی دیگر زمان طولانی را می‌طلبد، مانند زیان‌های اعتباری ناشی از تطویل دوره‌ی زمانی چرخه‌های اقتصادی. بانک‌هایی که به یک یا چند چرخه‌ی اقتصادی گذشته (که پیش از چرخه‌های دیگر فرا می‌رسند) توجه دارند ممکن است به این نتیجه برسند که در یک دوره زمانی پنج یا ده ساله، زیان‌های اعتباری متضمن آن بوده است که عملیات بانکداری هیچ

سهمی در نتایج عملیات بانک نداشته باشد. بنابراین، یکی از مسئولیت‌های اصلی مدیریت، حصول اطمینان از شناسایی تمام مخاطرات مرتبط با هر رشته‌ی فعالیت، هر محصول و هر نوع معامله است. در این بافتار، خطر را می‌توان به عنوان کاهش ارزش بنگاه بر اثر نوسان‌های محیط تجاری معرفی نمود؛ [هیچینز (۲۰۰۱)].

به‌طور کلی، بانک‌ها در معرض انواع مختلف مخاطرات هستند. اما برای کمی‌سازی و افشای خطر، آنها در وهله‌ی نخست بر چهار نوع خطر تاکید دارند که در نمایشگر ۱ ترسیم شده است؛ [هیچینز (۲۰۰۱)].

تعریف این مخاطرات به قرار زیر است:

۱- خطر بازار: ابهام نسبت به عایدات آینده به دلیل نوسان‌های ارزش‌های افزارهای مالی، ناشی از نوسان‌های پارامترهای بازار که شامل قیمت‌های بازار، نرخ‌های بهره و نرخ‌های ارز می‌باشد. هر اندازه که نوسان قیمت‌های دارایی‌ها بیش‌تر باشد بانک‌هایی که شیوه دادوستد کنترل نشده‌ای دارند با مخاطرات بیش‌تری روبرو می‌شوند.

۲- خطر اعتباری: خطر قصور طرف‌های معامله‌ی بانک در ایفای شرایط قراردادها یا توافق‌های مالی. همه‌ی معاملات اعتباری ذاتاً سبب پیدایش خطر قصور طرف‌های قرارداد می‌شوند. انتظار می‌رود به موازات افزایش دوره‌ی اعتباری طرف قرارداد، خطر نیز بیش‌تر شود.

۳- خطر عملیاتی: یکی از مقوله‌های گسترده‌ی خطر است، که به خطاهای انسانی، ضعف مدیریت یا نارسایی‌های سیستم‌های اجرایی مربوط می‌شود.

۴- خطر نقدینگی: خطری است که از هجوم غیرمنتظره‌ی افراد و اشخاص حقوقی برای برداشت مطالبات خود از بانک برخاسته می‌شود و بانک را در وضعیتی قرار می‌دهد که به ناچار در مدت زمانی بسیار کوتاه دارایی‌هایش را به قیمت‌هایی نازل به نقد تبدیل می‌کند. در صنعت بانکداری یکی از ابعاد مدیریت دارایی‌ها

حادث در برآمده‌های غیرمنتظره، که معمولاً در ارزش دارایی‌ها و بدهی‌ها نمود می‌یابد. به‌طور کلی، هر بنگاه با دو نوع خطر روبرو است: خطر تجاری و خطر ذاتی. خطر تجاری عبارت است از خطر راهبرد برگزیده برای کسب و کار از جمله چرخه‌های تجاری، چرخه‌های صنعتی، و تحولات فناوری. این‌گونه مخاطرات صرفاً معلول نوع کسب و کار است و در شمول کنترلی مستقل قرار نمی‌گیرد. به هر روی، این دسته از مخاطرات در فرایندهای برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی سازمان‌ها در نظر گرفته می‌شوند.

خطر ذاتی عبارت است از خطر نهادینه در فعالیت‌های تجاری که در شمول کنترلی مستقل قرار می‌گیرد و به مخاطرات اصلی (شامل خطر اعتباری، خطر بازار و نقدینگی و خطر تامین بودجه) و مخاطرات پیامدی - که مخاطرات عملیاتی نیز نامیده می‌شود - تقسیم می‌شود.

واضح است که مخاطرات در تمام معاملات و خدمات بانک‌ها وجود دارد. بانک‌ها در معرض خطر نارسایی‌ها و شکست‌های فرایندها و رویه‌های خود و نیز شکست‌های سیستمی هستند، که همگی می‌توانند سبب از دست رفتن مشتریان بانک، از کف رفتن فرصت‌ها و حتی پرداخت جرایم شوند. بانک‌ها در معرض خطر تقلب و دزدی کارکنان، مشتریان و دیگر مجرمان هستند. بانک‌ها در عین حال در معرض خطر قیمت‌گذاری نامناسب محصولات و خدمات خود هستند. بنابراین بانک‌ها باید شناختی جامع از هزینه‌های ارائه‌ی محصولات و خدمات خود داشته باشند.

اگر قیمتی را که بانک‌ها برای محصولات یا خدمات خود معین می‌کنند کم‌تر از هزینه‌ی مستقیم و غیرمستقیم آنها باشد و مهم‌تر از آن، زیان‌های مخاطرات، که معلول انجام معاملات است، در قیمت منظور نشده باشد، آن‌گاه سودآوری بانک در معرض خطر قرار می‌گیرد. بعضی از این مخاطرات آنی است، مانند

شفافیت در حوزه‌ی این مقاله به معنای افشای عمومی اطلاعات به صورتی اعتمادپذیر و به هنگام است. آن‌سان که به استفاده‌کنندگان اطلاعات امکان دهد تا ارزیابی دقیقی از وضعیت مالی و عملکرد مالی، فعالیت‌های تجاری، رخصاره‌ی خطر و شیوه‌های مدیریت خطر بانک داشته باشند؛ [کمیته نظارتی بانکداری بازل ۱۹۹۸]. شفافیت و افشای بیش‌تر، ذی‌نفعان - به ویژه صاحبان حساب‌های سرمایه‌گذاری بانک‌های اسلامی را از چگونگی مدیریت و راهبری بانک‌ها آگاه‌تر می‌کند. به علاوه، مطالعات انجام شده نشان داده است که افشای بهتر اثری مثبت بر کارکرد کارآمد بازارهای سرمایه دارد.

شواهد زیادی نشان می‌دهد که شفافیت ناچیز، مخاطرات دارایی‌های بانک را در حاله‌ای از ابهام فرو می‌برد. براساس مطالعه‌ی کامینسکی و رایسن‌هارت (Reinhart & Kaminsky 1999) نشانه‌های شکست‌های تجاری و ایفا نشدن تعهدات وام‌ها معمولاً به ندرت در دسترس قرار دارد. در حالی که بیثی و همکاران (Beaty ۱۹۹۵) et.al. و جنای (Genay ۱۹۹۸) نتیجه گرفتند که تفسیر داده‌های حسابداری بانک‌ها به دلیل نبود شفافیت، ساده نیست. از سوی دیگر، احمد، تاکد و توماس (Ahmed, Taked and Thomas ۱۹۹۹) پی بردند که نبود شفافیت، تفسیر زیان‌های اعتباری بانک‌ها را دشوار می‌سازد.

جوردن و همکاران (Jordan et.al. ۱۹۹۲ و ۲۰۰۰) نیز شواهدی را به پشتیبانی از سیستم بانکداری شفاف به دست داده‌اند. به زعم آنها، شفافیت مضاعف با توجه به تجربه‌ی بحران‌های اخیر بانکداری سرتاسر جهان به‌خوبی پذیرفته شده است.

برای تحقق شفافیت، بانک‌ها باید به طور منظم اطلاعاتی جامع از عملکرد مالی و توان بازپرداخت بدهی‌ها، سیاست مدیریت خطر، تهدیدهای مخاطرات از ابعاد گوناگون، راهبرد تجاری عام، رویه‌های حسابداری و نظارت بانک ارائه نمایند. کارگروه نظارتی بانکداری بازل، می‌گوید که ارتقای شفافیت وضعیت مالی بانک‌ها، سبب ضابطه‌مندی بهتر بازار می‌شود.

#### (ب) ضابطه‌گذاری بازار

ضابطه‌گذاری بازار به بازاری اشاره دارد که بر طرحی جبرانی استوار است و در آن سرمایه‌گذاران بدهی‌های بانک، مانند سرمایه‌گذاران بدهی‌های نامتاز یا سپرده‌های تضمین نشده، بانک‌ها را به دلیل خطرپذیری بیش‌تر با درخواست بازده‌های بالاتر جریمه می‌کنند، [برگر (Berger ۱۹۹۱)]. بانک‌ها سپرده‌ها را گردآوری و در دارایی‌های مخاطره‌آمیز (وام‌ها) سرمایه‌گذاری

در محیطی ناشفاف، بانکی که در مقایسه با بانک‌های دیگر اطلاعات بیش‌تری را درباره‌ی مخاطراتش افشا می‌کند شاید از این وحشت داشته باشد که برون‌سازمانی‌ها به غلط میزان مخاطراتش را بیش از بانک‌های دیگر تفسیر کنند. با این حال، این رفتار بانک را می‌توان با توجه به ضوابط مربوط به ارتقای افشا و فرضیه‌ی علامت‌گر نشانه قوت بانک دانست. چرا که بدین سان، اطلاعات شفاف‌تر و مفهوم‌تری برای ارزیابی عملکرد بانک در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرد.

در سپتامبر ۲۰۰۰، کارگروه نظارتی بانکداری بازل در مطلبی با عنوان "بهترین شیوه‌های افشای خطر اعتباری" انواع اطلاعات مربوط به خطر اعتباری را، که ذی‌نفعان و ناظران برای ارزیابی معنی‌دار عملکرد بانک خواهان آن هستند، مشخص کرد و ارائه‌ی این اطلاعات را به عموم به بانک‌های هم‌همی کشورها توصیه نمود. مطلب مذکور در پنج حوزه‌ی اصلی توصیه‌هایی را برای افشا ارائه می‌کند عبارتند از: سیاست‌ها و رویه‌های حسابداری، مدیریت خطر اعتباری، تهدید از خطر اعتباری، کیفیت اعتباری و عایدات. در این مطلب به بانک‌ها توصیه می‌شود که سطح افشای عمومی را برای مطابقت با این رهنمودها و نیز هماهنگ با ماهیت، اندازه و پیچیدگی فعالیت‌هایشان افزایش دهند. در این مطلب مفاهیم گزارش ۱۹۹۸ کمیته‌ی بازل، با عنوان "ارتقای شفافیت بانک‌ها" با ارائه‌ی رهنمودهای مفصل‌تری در حوزه‌ی خطر اعتباری به‌خوبی توصیف شده است.

این مطلب با نشریه‌ی ۲۰۰۱ کمیته‌ی بازل، با عنوان "افشاگری عمومی بانک‌ها: نتایج پژوهش میدانی سال ۱۹۹۹"، هماهنگ است. در آن پژوهش، بانک‌ها تشویق می‌شوند تا با افشای عمومی اطلاعات کمی و کیفی، به‌ویژه توصیف شیوه‌های مدیریت خطر و قوت مالی بانک‌ها، طرف‌های معامله و دیگر ذی‌نفعان خود را قادر به اتخاذ تصمیمات آگاهانه‌تر نمایند. نتایج آن پژوهش میدانی حاکی از مراتب متفاوت افشاگری در حوزه‌های مورد بررسی است. بانک از منظری وسیع، عموماً اقلام مرتبط با سرمایه، ذخایر خطر اعتباری، توزیع خطر اعتباری و رویه‌های حسابداری خود را افشا می‌کنند. با این حال، براساس نتایج این پژوهش میدانی، نبود افشا در حوزه‌های مدل‌سازی خطر اعتباری و کاربرد رتبه‌بندی داخلی محسوس است. این حوزه‌های افشا احتمالاً در آینده، و با توجه به ضرورت افشای اطلاعات کلیدی مربوط به کاربرد رتبه‌بندی‌های داخلی، اهمیت بیش‌تر خواهد یافت. قاعدتاً برای این منظور از رویکرد پیشنهادی ستون ۱ همسازی<sup>۱</sup> سرمایه‌ای جدید بازل، یعنی حداقل الزامات سرمایه، استفاده خواهد شد.

بهرامی (۲۰۰۱ Bahrami) براین باور است که همسازی جدید بازل، به ویژه ستون سوم آن، به بانک‌های اسلامی نیز ارتباط دارد. حتی مهم‌تر از آن افشای دقیق نتایج مالی است. زیرا مالیه‌ی اسلامی برپایه‌ی تقسیم سود استوار است. از این رو نتایج مالی بسیار مهم است. سرمایه‌گذاران و سهامداران باید به همه‌ی نتایج مالی دسترسی داشته باشند تا توزیع سود بهبود یابد.

#### نتایج تحقیق

نوشته‌های پیرامون ضابطه‌گذاری بازار در بانک‌های سنتی برمدار کاربرد بدهی‌های ممتاز برای ارتقای ضابطه‌مندی بازار متمرکز است. مارتینز، پریا و اشماکسر (۲۰۰۱) (Martinz, Peria and schmukler) تعامل ضابطه‌گذاری بازار و تضمین سپرده و اثر بحران‌های بانکداری را بر ضابطه‌مندی بازارهای آرژانتین، شیلی و مکزیک ارزیابی کردند. یافته‌های آنها حاکی است که سپرده‌گذاران، بانک‌ها را با پس‌گیری سپرده‌هایشان یا مطالبه‌ی بهره‌های بالاتر - حتی با این که در این کشورها طرح‌های بیمه‌ی سپرده وجود دارد - ضابطه‌مند می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد طرح‌های صریح صیانت از سپرده‌گذاران ممکن است همواره باورپذیر و معتبر نباشد.

سیرونی (۲۰۰۱) (Sironi) ضابطه‌گذاری بازار در بانکداری اروپا را آزمون کرد و پی برد که دارندگان بدهی‌های نامتواز منطقیاً بین رخصاره‌های خطر بانک‌های خصوصی تمایز قائل می‌شوند. ولی از رتبه‌بندی اعتباری، بهره‌گرفت و داده‌های حسابداری را به‌عنوان معیارهای خطرپذیری بانک‌ها منتشر نمود.

مطالعه بیرفلر و ماختر (Birchler and Maechler) نشان می‌دهد که ضابطه‌گذاری بازار به مقدار زیادی در بانک‌های سوئیس مشاهده می‌شود. سپرده‌گذاران به اصول بنیادی مختص بانک، تفاوت‌های سازمانی گروه‌های بانکی و تغییرات سازمانی سیستم صیانت از سپرده‌گذاران سوئیس واکنش نشان می‌دهند.

براساس مطالعات بلوم (۲۰۰۲) (Bloom) و کوردلا و ییاتی (Cordella and Yeyati) در نبود هزینه‌های ورشکستگی و مشکلات نظارت سازمان، اگر سپرده‌ها ضمانت نشده باشد و خطرپذیری بانک برای سپرده‌گذاران ملموس و مشهود باشد، آنگاه خطرپذیری بانک گزینه‌ای کارآمد است، زیرا سپرده‌گذاران به عرض خطرپذیری بیش‌تر بانک، بازدهی بالاتری را طلب خواهند کرد. در این فضا، ضابطه‌گذاری بازار به طور کامل برقرار است و هیچ‌گونه اعمال غیراخلاقی روی نمی‌دهد. متقابلاً اگر سپرده‌ها ضمانت شده باشد یا خطرپذیری بانک برای سپرده‌گذاران مشهود نباشد، آنگاه بانک به هزینه‌ی سپرده‌گذاران، به دلیل بازدهی بالاتر، رخصاره‌ی خطر بالاتر را بخواهد گزید. زیرا سپرده‌گذاران به‌رغم

می‌کنند. بانک‌ها برای ایجاد پوشش لازم در برابر تضعیف توان بازپرداخت بدهی‌ها، سپری سرمایه‌ای در مقابل پیامدهای منفی سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مخاطره‌آمیز ایجاد می‌کنند. اما هدف‌گذاری بانک در حوزه‌ی تثبیت بدهی‌ها ممکن است بدون توجه به منافع سپرده‌گذاران یا کل جامعه انجام شود. ضابطه‌مندی بازار سازوکاری است که می‌تواند انگیزه‌ی خطرپذیری بیش از حد را با افزایش هزینه‌های خطرپذیری مهار کند. کروکت (۲۰۰۱) (Crocket) چهار پیش شرط را معین کرده است: لازمه‌ی اثربخشی کارکرد ضابطه‌مندی بازار بانک‌ها از جنبه‌ی پایداری مالی کاملاً اثربخش است اول، ذی‌نفعان بازار باید از اطلاعات کافی برای دستیابی به قضاوت‌های آگاهانه برخوردار باشند؛ دوم، آنها باید از توانایی لازم برای پردازش صحیح اطلاعات برخوردار باشند؛ سوم، آنها باید از انگیزه‌های به‌جا و به‌حقی برخوردار باشند؛ و چهارم، آنها باید از سازوکار به‌جا و درستی برای اعمال ضابطه برخوردار باشند.

#### همسازی جدید بازل (بازل دوم)

هدف کمیته‌ی بازل، تشویق ضابطه‌گذاری بازار با صورت‌بندی مجموعه‌ای از توصیه‌ها و الزامات افشاگری است که برای ذی‌نفعان بازار امکان ارزیابی اطلاعات کلیدی مربوط به دامنه‌ی کاربرد، سرمایه، تهدیدهای مخاطرات، ارزیابی خطر و فرآیندهای مدیریتی را فراهم سازد و از این رو امکان ارزیابی کفایت سرمایه‌ی موسسه‌های مالی را فراهم سازد (سند مشورتی، ژانویه ۲۰۰۱).

همسازی جدید بازل شامل سه ستون است: ستون ۱ به حداقل نسبت‌های سرمایه‌ی می‌پردازد. ستون ۲ به نظارت خطر ذاتی بانک‌ها و شیوه‌های مدیریت سرمایه معطوف است و تأکید چشمگیری بر التزام بانک‌های تجاری بزرگ به اتخاذ مدل‌های جامع سرمایه‌ی اقتصادی دارد. ستون ۳ به ایجاد بازاری ضابطه‌مندتر از راه ارتقای استانداردها و روش‌های افشای خطر می‌پردازد.

ستون سوم همسازی جدید بازل متکی به ارتقای افشا برای تقویت ضابطه‌گذاری بازار است. شناخت ناقص تهدیدهای ناشی از مخاطرات واقعی بانک‌ها می‌تواند تصمیمات ضابطه‌گذاران بانک‌ها و دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری بانک‌های اسلامی را خدشه‌دار کند. یکی از پیش شرط‌های ضابطه‌گذاری بازار که کمیته‌ی بازل مطرح کرده است افشای وسیع اطلاعات مالی بانک است که ارزیابی دقیق رخصاره‌ی خطر بانک اسلامی را برای سرمایه‌گذاران (صاحبان حساب‌های سرمایه‌گذاری) و دیگر ذی‌نفعان بازار میسر می‌کند.

خطرپذیری بیش تر بانک، بازدهی بالاتری را مطالبه نخواهند کرد. در چنین فضایی، ضابطه گذاری بازار بی اثر می شود و اعمال غیراخلاقی روی خواهد داد.

مطابق این چارچوب نظری، اثربخشی ضابطه گذاری بازار از حیث خطرپذیری بیش تر به سه مسئله بستگی دارد: اول، دامنه‌ی شبکه‌ی ایمنی دولت؛ دوم، درجه‌ی تامین منابع مالی بانک از محل بدهی‌های ضمانت نشده؛ و سوم، میزان مشهود بودن خطرپذیری بانک. اثربخشی ضابطه گذاری بازار با ضمانت‌های دولتی صریح یا تلویحی کم تر برای بدهی‌های بانک‌ها، افزایش بدهی‌های ضمانت نشده بانک‌ها و افشای بیش تر اطلاعات از سوی بانک بیش تر می شود. ضمانت سپرده‌ها احتمالاً سبب تضعیف ضابطه مندی بازار می شود. دمیرگوک کانت و سوباکسی (Demirguc-Kunt and Sobaci ۲۰۰۰) با مطالعه‌ی طرح‌های ضمانت سپرده‌ی ۶۱ کشور نشان دادند که بحران‌های بانکداری در کشورهایی که طرح‌های صریح ضمانت سپرده‌ها وجود دارد بیش تر روی داده است.

می توان باور داشت که رتبه بندی از سوی یک موسسه‌ی رتبه بندی می تواند اطلاعات بیش تری را در اختیار سرمایه گذاران قرار دهد. موسسه‌های رتبه بندی به عنوان واسطه‌ی فرایند افشا انجام وظیفه می کنند. آنها به اطلاعاتی دسترسی دارند که در دسترس سرمایه گذاران نیست. به عبارت بهتر، سرمایه گذاران از راه رتبه بندی بانک‌ها به اطلاعات بیش تری دست می یابند و احتمالاً ضابطه گذاری بازار با رتبه بندی بانک‌ها تقویت می شود.

#### (ج) فرضیه‌ی علامت دهی

براساس فرضیه‌ی علامت دهی، زمانی که عملکرد بانک‌ها خوب است آنها اشتیاق دارند کیفیت بالای اطلاعات خود را به بازار علامت دهند. براین اساس انتظار می رود به کمک این اطلاعات تصمیم گیری استفاده کنندگان صورت‌های مالی بانک‌ها آسان شود؛ [واتر و زیمرمن (۱۹۸۶)]. به عبارت دیگر، انتظار می رود علامت دهی به ضابطه گذاری بازار نیز مربوط شود. به لحاظ نظری اگر ضابطه گذاری بانک‌های اسلامی ضعیف تر از بانک‌های سنتی باشد، آن گاه فرضیه‌ی علامت دهی کاربرد کم تری می یابد و سازمان‌های حسابداری و حسابرسی بانک‌های اسلامی مجموعه‌ی مفصل تر و دستوری تری از استانداردهای کنونی افشای خطر بانک‌های سنتی را در نظر خواهند گرفت و در عین حال، سبک و سیاق نظارت بر همسازی جدید بازل بیش از حد توسعه می یابد. بنابراین استانداردهای حسابداری مالی که براساس استاندارد بین المللی حسابداری ۳۲ برای تبیین و گسترش الزامات افشای خطر اعتباری و خطر بازار انتشار می یابند از حیث

چگونگی افشا دستوری تر خواهد شد. همان گونه که در بیانیه‌ی رویه‌های پیشنهادی بریتانیا در زمینه‌ی گزارشگری قسمت‌ها بیان شده است، منطق انتشار این استاندارد، پوشش ابعاد و خصوصیات منحصر به فرد بانک‌ها است که بعضاً در استاندارد بین المللی حسابداری ۳۰ و استاندارد بین المللی حسابداری ۳۲ توصیف نشده است، مانند استفاده از کل دارایی‌ها به جای خالص دارایی‌ها برای گزارشگری قسمت‌ها برحسب گروه‌ها و نیز مکان‌های اصلی فعالیت. گزارش خالص دارایی‌های بانک‌ها می تواند گمراه کننده باشد چرا که تخصیص نامناسب بدهی‌ها کاملاً بر آن تاثیر می گذارد. در صنعت بانکداری، بدهی‌ها اساساً منبع تامین وجوه می باشند. بنابراین بدهی‌های بانک به کل فعالیت‌هایش مربوط می شود و ارتباطی به تخصیص قسمتی از دارایی‌هایش ندارد.

علامت دهی واکنشی به ناقرینگی اطلاعات در بازارها است. در صورت ناقرینگی اطلاعات، بانک‌ها به اطلاعاتی دسترسی دارند که بازار ندارد. ناقرینگی اطلاعات را دارنده‌ی اطلاعات پربار می تواند با علامت دهی به طرف دیگر فروکاهد. در این مورد، بانک‌های پیشرو با افشای بیش تر اطلاعات به صورت داوطلبانه خواهان تمایز از بانک‌های دنباله‌رو هستند. بنابر فرضیه‌ی علامت دهی، زمانی که عملکرد بانک‌ها خوب است، بانک‌ها خواهان علامت دهی اطلاعات پر کیفیت خود به بازار هستند.

#### (د) استانداردهای بین المللی حسابداری

کمیته استانداردهای حسابداری بین المللی - که اکنون هیات استانداردهای حسابداری بین المللی نامیده می شود - از ۱۹۷۷ با کمیته‌ی نظارتی بانکداری بازل در باب هماهنگ سازی گزارشگری مالی بانک‌ها همکاری می کند. در اروپا طی دهه‌ی ۱۹۸۰ اقدامات دیگری در راستای هماهنگ سازی راهنماهای حساب نامه‌های بانک‌های اتحادیه‌ی اقتصادی اروپا، که در ۱۹۸۶ به تصویب رسید، انجام شد. کمیته‌ی استانداردهای حسابداری بین المللی، استاندارد حسابداری بین المللی ۳۰، با عنوان «افشا در صورت‌های مالی بانک‌ها و نهادهای مالی مشابه» را در ژوئن ۱۹۹۰ منتشر ساخت. این استاندارد در ۱۹۹۴ تجدید ساختار شد و در ۱۹۹۸ اطلاعات مختصری در آن به منظور بازتاب مضامین استاندارد حسابداری بین المللی ۳۹، با عنوان «افزای مالی: بازشناسی و اندازه گیری، صورت گرفت. استاندارد حسابداری بین المللی ۳۰ تنها استاندارد کمیته‌ی استانداردهای حسابداری بین المللی است که به بانک‌ها اختصاص دارد و در آن آمده است که: «بانک‌ها همگی امانت داری می کنند و برای ایفای این نقش به نگهداشت دارایی‌های افراد، طرح‌های بازنشستگی و دیگران



# بررسی حسابداری فروش اقساطی

سور، سوزن و سوزن...  
 ...  
 ...

سلام طلومی



حسابداری فروش اقساطی عموماً مربوط به مبادلات خرده‌فروشی است که از تاکتیک خرید در زمان حال و پرداخت در آینده استفاده می‌کند. قبل از جنگ جهانی دوم اعطای اعتبارات اقساطی به مشتریان (به استثنای وام‌های نقدی و رهنی) بالغ بر ۳/۷ میلیون دلار بود. این

امریکا (سلف انجمن حسابداران رسمی امریکا) گفت که: "وقتی فروش در روال عادی فعالیت‌های شرکت انجام گیرد سود شناسایی می‌شود مگر تحت شرایطی که وصول قیمت فروش به‌طور معقول پیش‌بینی پذیر نباشد."

در ۱۹۳۴ اعضای

انجمن اصل فوق را پذیرفتند که هنوز هم اعتبار دارد. اما در مورد تعویق شناسایی سود نظریه‌های توجیهی مناسبی وجود دارد. به عبارت دیگر اگر در فروش اقساطی اطمینانی از وصول قیمت فروش نباشد یا برآوردپذیر نباشد سود تا زمان وصول اقساط به تاخیر می‌افتد. اما این عمل از لحاظ نظری اعتبار چندانی ندارد. گفتنی است که اگر در فروش‌های اقساطی از وصول قیمت فروش اطمینان معقولی در دست نیست پس چرا باز هم فروشندگان

مبلغ تا نیمه‌ی دوم ۱۹۷۸ از مرز ۲۲۵ میلیون دلار تجاوز کرد. بنابراین با رشد فزاینده‌ی فروش اقساطی و مسائل مربوط به شناسایی و محاسبه‌ی سود این فروش‌ها موقعیت دشواری برای حرفه‌ی حسابداری به وجود آمد. شناسایی سود به تدریج و به تناسب وصول وجه نقد به جای شناسایی در زمان فروش تخلفی آشکار از اصل شناسایی درآمد است.

در ۱۹۳۲ کمیته‌ی مبادلات کالا وابسته به انجمن حسابداران

پیوسته از این فروش‌ها استفاده می‌کنند.

سال ۱۹۶۶ هیات اصول حسابداری (APB)، در بیانیه‌ی شماره ۱۰ (که دیگر جزء اصول پذیرفته شده‌ی حسابداری نیست) گفت هرگاه عملیات فروش تکمیل شود و از وصول مطالبات مربوط اطمینان معقولی نباشد روش اقساطی برای شناسایی درآمد مناسب است.

واقعیت این است که استفاده از روش حسابداری اقساطی هنوز هم ادامه دارد اما در پایان این مقاله به این نتیجه می‌رسیم که روش حسابداری اقساطی ناممکن، غیرمنطقی، متناقض و ناجور است و باید منسوخ گردد.

سابقه‌ی حسابداری اقساطی به واسطه استثناهایی که دارد زیاد نیست و فقط در آثاری که از پی می‌آید آمده است: ۱) کمیته رویه‌های حسابداری، پژوهش نامیه‌ی حسابداری، شماره ۴۳. انجمن حسابداران امریکا، ۱۹۵۳. ۲) هیات اصول حسابداری، بیانیه‌ی اصول حسابداری شماره ۱۰، ۱۹۶۶. هیات اصول حسابداری در بیانیه‌ی شماره‌ی ۱۰ خود اظهار کرد که: در موارد استثنایی دریافته‌ی‌های قابل وصول مربوط به بیش از یک دوره‌ی مالی است و به خاطر دوره‌ی عملیات یا شرایط دیگر اطمینان معقولی از بلیت وصول آنها وجود ندارد. در چنین شرایطی می‌توان از دو روش شامل حسابداری اقساطی و بازیافت بهای تمام شده استفاده نمود.

بیانیه‌ی شماره‌ی ۱۰ APB تا قبل از ۱۹۷۰ مسکوت ماند، اما به واسطه‌ی بحرانی که در این سال در گزارشگری مالی عملیات‌های حق امتیاز<sup>۲</sup> و خرده‌فروشی زمین<sup>۳</sup> به وجود آمد از سکون خارج گردید. از ویژگی‌های بارز این دو عملیات می‌توان به پرداخت‌های نقدی کم و دوره‌ی طولانی اشاره نمود.

۱- حق امتیاز: برخی از موسسات تجاری، حق امتیاز استفاده از علائم تجاری، نام تجاری، شهرت یا اعتبار کمپانی و اختراع ثبت شده‌ی خود را می‌فروشند. آنها همراه با واگذاری امتیاز، طی قراردادی، خدمات، دستورالعمل و کمک‌های فنی خود را در یک منطقه‌ی جغرافیایی خاص و طی دوره‌ای معین در اختیار خریداران قرار می‌دهند و درآمد کسب می‌کنند. فروشنده‌ی امتیاز ممکن است خدمات اولیه‌ای از قبیل: ۱) تشریک مساعی در انتخاب عمل، ۲) مساعدت در تهیه و تدارک امکانات، ۳) مساعدت و همکاری در تبلیغات و، ۴) آموزش کارکنان و غیره را به امتیازگیرنده ارائه کند.

بسیاری از قراردادهای به‌طور واضح بین طرفین منعقد می‌گردد و

حتی به جزئیات موارد هم اشاره می‌شود اما باز هم ابهاماتی درباره‌ی تعهدات حق امتیاز وجود دارد.

برای عملیات‌های حق امتیاز، معمولاً پرداخت نسبتاً کم در شروع قرارداد در کنار اسناد بلندمدت برای مانده آن (که اغلب یا بهره ندارند یا نرخ بهره‌ی پایینی دارند) پذیرفته می‌شود. حق امتیاز اولیه<sup>۴</sup> بعد از این که خدمات و کمک‌های فنی ارائه گردید به عنوان درآمد شناسایی می‌شود. هیچ شرطی برای وصول وجه و فسخ قرارداد حق امتیاز وجود ندارد. به همین خاطر بسیاری از خریداران و برخی از فروشندگان ممکن است بعداً کوتاهی کرده و قرارداد را فسخ کنند.

کمیته‌ی حسابداری و حسابرسی حق امتیازها وابسته به AICPA رهنمود حسابداری صنعت را در ۱۹۷۲ صادر نمود. نتیجه پیشنهادها این کمیته عبارت از به تعویق انداختن شناسایی درآمد بود. یعنی تا زمانی که بعد از واگذاری، فروشنده به تعهداتش عمل کند و عملیات‌های خریدار امتیاز نیز آغاز شود. هم چنین در شرایطی که برآورد معقولی از وصولی‌ها نتوان به دست داد کمیته به کارگیری حسابداری اقساطی را توصیه می‌کند. ۲) شرکت‌های خرده‌فروشی زمین<sup>۵</sup>: این شرکت‌ها زمین‌های بزرگ اصلاح نشده را تحصیل می‌نمایند، سپس آنها را به قطعات مختلف تقسیم می‌کنند و عرضه می‌کنند. در طول سال‌های ۱۹۵۰ الی ۱۹۶۰ خرده‌فروشی زمین از رونق مناسبی برخوردار نبود اگر چه در حدود سال ۱۹۷۰ تا اندازه‌ای توسعه یافت اما هنوز از رشد مناسبی برخوردار نیست. در این دوره عملیات خرده‌فروشی زمین چند درصدی از قیمت فروش در زمان عقد قرارداد پرداخت می‌شد و باقی مانده به علاوه بهره در طول دوره‌ی قرارداد پرداخت می‌گردید. در زمان‌های مقرر خریدار می‌توانست قرارداد را فسخ کند و خواستار استرداد وجوه پرداخت شده شود. اما اگر خریدار در پرداخت‌ها مطابق تعهدات کوتاهی می‌کند هم زمین هم ارزش ویژه‌ی انباشته را از دست می‌داد.

شرکت‌های خرده‌فروشی زمین از روش‌های مختلفی برای شناسایی درآمد استفاده می‌کردند. از این جهت AICPA کمیته‌ای را برای بررسی این امر به وجود آورد و نتیجه‌ی آن به تعویق انداختن شناسایی درآمد تا زمانی بود که چند شرط دیگر برقرار باشد از قبیل این که خریدار نسبت به ادامه‌ی قرارداد مصر و فروشنده قادر به انجام تعهدات خود باشد. تا زمانی که این شرایط تحقق نیابد با اقساط وصول نشده به عنوان ذخیره برخورد می‌شود ۹ و در قسمت بدهی‌ها نمایش می‌یابند. در صورتی که شرکت‌های

به‌طور کلی در فروش‌های اقساطی فروشنده حقوق و منافع وصول‌ناپذیر خود را با حفظ مالکیت کالا (با قراردادهای شرطی یا اجاره) تامین می‌کند. در مواردی که در قراردادهای فروش اقساطی خریدار قادر به پرداخت اقساط خود نباشد حساب‌های دریافتی و سود ناخالص تحقق نیافته برگشت و حذف می‌شود. در این قبیل موارد فروشنده معمولاً کالای فروخته شده را به تملک خود در می‌آورد. اما مشکل اصلی حسابداری تعیین ارزش کالای تملیک شده به عنوان موجودی‌ها است برای این کار از روش‌های مختلف ارزشیابی استفاده می‌شود.

#### روش اقساطی

اداره مالیاتی آمریکا<sup>۹</sup> از به تعویق انداختن سود و شناسایی آن متناسب با وصولی‌ها حمایت می‌کند و می‌گوید تا وقتی که نقد ناشی از عملیات اقساطی وصول نشود گزارش سود به تعویق می‌افتد. این امر نیز امکان به تاخیر افتادن پرداخت‌های مالیاتی را تا زمان دریافت وجوه نقد فراهم می‌کند. دلیل دیگری که از روش اقساطی طرفداری و حمایت می‌شود این است که گزارشگری سود تحت این روش مطابق با زمان‌بندی جریان‌های نقدی است، و در نتیجه وجوه نقد مناسب برای توزیع سود سهام بین سهامداران در دسترس می‌باشد.

هم چنین برخی دلیل آورده‌اند که در روش اقساطی اغلب هزینه‌های وصول قابل توجه و هزینه‌های خدمات بعد از فروش پرداخت می‌شود. لذا شناسایی سود اقساطی امکان تطابق مناسب درآمدها را با هزینه‌ها فراهم می‌کند.

نهایتاً این که در فروش‌های اقساطی عموماً ریسک و عدم قطعیت بیش‌تر از فروش‌های نسیه‌ی عادی می‌باشد. لذا حساب‌های دریافتی اقساطی به دلیل طول کشیدن دوره‌ی پرداخت ممکن است به زیان‌های احتمالی بینجامند.

اگر محتمل باشد که دریافتی‌ها تماماً وصول خواهد شد و زیان هم قابل برآورد باشد مدل تعهدی اجرا می‌شود. از طرف دیگر، اگر شرکتی قادر به برآورد زیان‌های مربوط به قرارداد باشد و هم چنین پیش‌بینی گردد که دریافتی‌ها تماماً وصول نخواهد شد در این شرایط باید از مدل تعهدی استفاده کند. اما اگر عدم قطعیت مهمی نسبت به وصول و عدم برآورد زیان وجود داشته باشد دیگر مدل تعهدی قابل اجرا نیست و باید از سایر روش‌های شناسایی درآمد مانند روش اقساطی یا باز یافت بهای تمام شده، استفاده شود. بنابراین کاربرد روش اقساطی زمانی است که ابهام

خرده‌فروشی زمین از روش فوق تبعیت نکنند می‌توانند از روش حسابداری اقساطی برای شناسایی درآمد استفاده نمایند.

کمیت‌های حسابداری سایر عملیات ملکی مستغلاتی وابسته به AICPA شناسایی سود برای تمام معاملات را (در رهنمود حسابداری صنعت، تحت عنوان حسابداری شناسایی سود، فروش املاک مستغلاتی) الزامی کرد. اما به موجب آن فروش اقساطی زمان فروش به عنوان درآمد ثبت می‌شود که پرداخت لازم معمولاً (حداقل ۲۵ درصد ارزش دارایی) انجام شده باشد و زمان‌بندی پرداخت‌های سال‌های آینده نیز موجب قرارداد معلوم باشد. اما اگر خریدار نسبت به ادامه‌ی پرداخت‌ها نکول کند شناسایی درآمد از طریق سایر فنون حسابداری از قبیل ذخیره، باز یافت بهای تمام شده یا روش اقساطی انجام می‌گیرد.

#### حسابداری فروش اقساطی

بر اساس اصول حسابداری پذیرفته شده استفاده از حسابداری فروش اقساطی تنها در مواردی مجاز است که نسبت به وصول وجوه درآمد فروش اطمینان معقولی وجود نداشته باشد. ابهام در مورد قابلیت وصول درآمد فروش می‌تواند بر اثر طولانی بودن مدت وصول یا نبود مبنایی برای برآورد مبلغ قابل وصول ایجاد شود. در این قبیل موارد بر اساس اصول حسابداری پذیرفته شده، واحدهای تجاری می‌توانند از روش باز یافت بهای تمام شده<sup>۷</sup> یا روش اقساطی<sup>۸</sup> استفاده کنند.

#### روش باز یافت بهای تمام شده

در مواردی که وصول درآمد فروش و باز یافت بهای تمام شده‌ی مربوط قابل تعیین نیست یا با ابهام نسبتاً زیادی همراه است می‌توان از روش باز یافت بهای تمام شده استفاده کرد. در این روش قبل از باز یافت تمام بهای تمام شده سودی شناسایی نمی‌شود. پس از باز یافت کل بهای تمام شده مبالغ اضافی به عنوان درآمد فروش شناسایی می‌شود و تنها هزینه‌ی وصول با آن مقابله می‌شود.

#### روش اقساطی

در روش اقساطی هر قسط وصولی شامل باز یافت بخشی از بهای تمام شده و بخشی از سود ناخالص است. نسبت این دو بخش همانند نسبت کل بهای تمام شده به درآمد فروش در فروش اولیه است.



- 4- Initial Franchise Fee
  - 5- Retail land sales companies
  - 6- Installment method of accounting
  - 7- Cost recovery method, Sunk-cost theory
  - 8- Pure installment method
  - 9- Internal Revenue Service
- 1- United states Department of Commerce, survey of Current Business, July 1978.
  - 2- Accounting, Principle Board, Opinion no. 10, 1966(NewYork: AICPA, 1967).
  - 3- Pronald Stephenson and Robert G.House, "A Perspective on Franchising," Business Horizons, August 1971.
  - 4- Committee on franchise sccounting and auditing, Industry Accounting Guide, Accounting for franchise Fee Revenue (New York: AICPA,1973)
  - 5- Committee on Land development, companies, Industry Accounting Guide, Accounting for Retail Land Sales (New york: AICPA, 1973).
  - 6- Statement of Financial Accounting Standards no.5, Accounting for Contingencies (Stamford, conn:FASB, 1975).
  - 7- Statement of Financial Standards Board no. 109, Accounting for Income Taxes (Stamford, Conn: FASB, 1992).
  - 8- Accounting Research Bulletin no.43, Par.A

مهمی در وصول وجه نقد یا برآورد و اندازه گیری زیان وجود داشته باشد.

نتیجه گیری

از مباحث بالا نتیجه گیری می شود که اگر دریافتی اقساطی همراه با ابهام باشد دیگر نمی توان از روش تعهدی برای شناسایی سود استفاده کرد. در این صورت به نظر می رسد که باید از رویه های معقول دیگری استفاده شود از قبیل این که تا بازیافت کامل بهای تمام شده هر مبلغی که وصول می گردد بیانگر بخشی از بهای تمام شده فروش (روش بازیافت بهای تمام شده) و سپس شناسایی درآمد صورت گیرد. اما این راه حل به دلیل این که ماهیت حساب سود معوق را مشخص و معلوم نمی کند مناسب و رضایت بخش نیست. این سود مطمئناً بدهی نیست اگر چه ممکن است با این عنوان در ترازنامه طبقه بندی گردد.

هم چنین در گزارشگری مالی شرکت های خرده فروشی زمین که از حسابداری اقساطی تبعیت می کنند سود معوق از مانده ای اسناد دریافتی کسر می شود و باقی مانده به عنوان ارزش دارایی ارائه می شود. اما واقعاً چنین باقی مانده ای نشانه چیست؟ مانده ای که وصول پذیری آن بعد از وصول چند قسط مبهم تر می گردد. به عنوان مبالغ قابل وصول برآوردی اسناد قلمداد نمی شود، ارزش فعلی کاهش یافته، ارزش زمین یا بهای تمام شده هم نمی تواند باشد. پس چنین مانده ای که در ترازنامه گزارش می یابد چه عنوانی را می توان برای آن در نظر گرفت که معلوم و مشخص نیست.

قابل تردید است که صرفاً به خاطر این که حسابداران نمی توانند برآورد رضایت بخشی از دریافتی های اقساطی مشکوک داشته باشند روش تعهدی کنار گذاشته شود، در صورتی که حسابداران ثابت کرده اند می توانند از عهده ای مسائل برآوردی خیلی مشکل برآیند.

با این مقایسه روش اقساطی یک مدل غیر منطقی و از درون ناسازگار است و بایستی به عنوان رویه ای حسابداری پذیرفته شده باطل و منسوخ شود. حالا FASB باید وارد عمل شود و مسئولیت دارد که با این مسئله برخورد نماید.

بی نوشت

- 1- American institute of certified public accountants
- 2- Franchising Operations
- 3- Retail land sales

**تسلیت**

**آقای حسین عبده تبریزی**  
مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده.  
بقای عمر شما و بازماندگان را آرزو مندیم.  
انجمن حسابداران خبره ایران

## حسابداری سبز

دو مقوله‌ی توسعه‌ی پایدار و حفاظت و بهسازی در محیط‌زیست موضوعاتی اصلی هستند که در سراسر جهان بر چگونگی رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی به منظور فقرزدایی تاثیر می‌گذارند

سیدرضا سیدزاده‌فهم



مقدمه

همگام با رشد اقتصادی، فشار بر سیستم‌های طبیعی و منابع کره زمین شدت می‌گیرد. واقعیت تاسف‌بار این است که اقتصاد به رشد خود ادامه می‌دهد، اما محیط‌زیست که اقتصاد

حمایتی حیات خویش می‌انجامد، اقتصاد جهانی نیز با رشد مداومش، میزبانش، محیط‌زیست، را به آهستگی نابود می‌کند.

در جهان امروز برنامه‌ریزی اقتصادی در راستای اهداف توسعه، امری است لازم و

اجتناب‌ناپذیر. امروزه کشورهای پیشرفته محصول برنامه‌ریزی‌های دقیق و صحیح، و کشورهای جهان سوم محصول بی‌برنامه‌گی‌شان را می‌دروند. خوشبختانه در تمام جهان ضرورت حفاظت از محیط‌زیست<sup>۱</sup> به صورت اصلی مسلم و انکارناپذیر پذیرفته شده است.

در حال حاضر دو مقوله توسعه‌ی پایدار<sup>۲</sup> و حفاظت و

به آن وابسته است رشد نمی‌کند. اگر چه نمایه‌های اقتصادی از قبیل سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت همه و همه مثبت نشان می‌دهند، اما نمایه‌های اساسی شرایط زیست‌محیطی هر روز منفی‌تر می‌شوند. مثلاً جنگل‌ها کوچک‌تر می‌شوند، خاک‌ها فرسوده‌تر می‌شوند، دمای هوا افزایش می‌یابد. همان‌گونه که رشد مداوم سرطان نهایتاً با از بین بردن میزبانش به انهدام سیستم

شاخص‌های اقتصادی می‌انجامد و استفاده‌کنندگان مختلف را قادر می‌سازد تا تصمیماتی بگیرند که پشتوانه‌ی توسعه‌ی پایدار است. هم‌چنین حسابداری محیط زیست<sup>۲</sup> دارای مضامین مختلف و استفاده‌های زیادی است. حسابداری محیط زیست می‌تواند پشتوانه‌ی حسابداری منابع طبیعی<sup>۴</sup> در سطحی گسترده، حسابداری بوم‌شناسی<sup>۵</sup> در سطح ادارات محلی، و حسابداری مالی، حسابداری صنعتی یا حسابداری مدیریت در سطح کوچک باشد.

#### مزایای حسابداری محیط زیست

مزایای اصلی حسابداری محیط زیست را به طور خلاصه

می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

- سیستم مناسب حسابداری محیط زیست، یک معیار حمایت‌کننده برای دستیابی به توسعه پایدار است که تا اندازه‌ای ابزار اصلی برای اندازه‌گیری، کنترل و تصمیم‌گیری می‌باشد.
- مخارج زیست محیطی، چه هزینه‌ی سرمایه‌ای چه هزینه‌ی جاری به طور چشم‌گیری روز به روز افزایش می‌یابد.
- مدیریت نیاز به اطلاعات مالی درباره‌ی مخارج زیست محیطی دارد.
- برنامه‌ریزی هزینه‌های اساسی نیاز به اطلاعات مالی دارد.
- هزینه‌های محیط زیست ممکن است در حساب‌های سربرار پنهان شوند یا به گونه‌ای دیگر نادیده گرفته شوند.
- نیاز بهره‌مندان (دولت، سرمایه‌گذاران، وام‌دهندگان، بانک‌ها، سازمان‌های غیردولتی و غیره) به اطلاعات مالی در زمینه‌ی عملکرد زیست محیطی سازمان‌های مختلف رو به افزایش است.
- بسیاری از فعالیت‌های زیست محیطی کمی است، ماهیت مالی دارند و بنابراین تاثیر به‌سزایی بر هزینه‌ها، دارایی‌ها و بدهی‌های سازمان‌ها دارند.
- بدیهی است که هر واحد تجاری یک ستاده‌ی اصلی و یک ستاده ثانوی دارد که آلودگی محیط زیست از جمله آن است. اگر واحد تجاری جهت تعدیل یا جلوگیری از آن هزینه‌ای نپردازد، آنگاه اشخاص ثالث جامعه می‌بایست متحمل آن شود.
- خطرات زیست محیطی ممکن است منجر به بدهی‌های زیست محیطی<sup>۶</sup> هنگفتی شوند و متعاقباً سازمان یا واحد تجاری ممکن است متحمل پرداخت‌های زیادی شود که به طور جدی بر ۱۳ موقعیت نقدینگی و مالی اش اثر می‌گذارد.

بهسازی محیط زیست موضوعاتی اصلی هستند که در سراسر جهان برچگونگی رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی به منظور فقرزدایی تاثیر می‌گذارند. توسعه‌ی پایدار است که بتواند با حفظ محیط زیست، رشد اقتصادی کشور را به گونه‌ای تضمین کند که ضمن افزایش رفاه نسل حاضر منابع لازم را برای تامین رفاه نسل‌های آینده باقی بگذارد.

#### محیط زیست و رشد اقتصادی

در اکثر کشورها یکی از مهم‌ترین مشکلات محیط زیست، کم‌رنگی ملاحظات زیست محیطی در سیاست‌ها و برنامه‌های کلان است. علت اصلی این موضوع لحاظ نکردن آن در تولید ناخالص داخلی کشورها است. سرمایه‌گذاری در سطح برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی معمولاً به سمت بخش‌هایی سوق پیدا می‌کند که سهم عمده‌ای در تولید ناخالص داخلی دارند. لذا چنانچه ارزش‌گذاری مناسبی از منابع زیست محیطی به عمل نیاید سرمایه‌گذاری در این بخش متناسب با ارزش واقعی این منابع در تولید ناخالص داخلی به وجود نمی‌آید و باعث تضعیف منابع زیست محیطی می‌شود.

یک ضرورت کلیدی وارد ساختن منابع، سودها و زیان‌های زیست محیطی به معادله‌ی اقتصادی است. حسابداری زیست محیطی نقش مهمی در ارائه‌ی اطلاعات محیط زیست به استفاده‌کنندگان مختلف در تمام سطوح بازی می‌کند. کانون توجه حسابداری جنبه‌های اقتصادی محیط زیست است.

#### رابطه‌ی حسابداری و محیط زیست

علاقه‌ی وافری به حفاظت محیط زیست در تمام سطوح وجود دارد که این امر با صدور مقررات زیست محیطی در بسیاری از کشورها نمود یافته است. دولت‌ها برای جلوگیری از انحطاط محیط زیست در جستجوی راه‌حل‌های جدیداند. واضح است که حفاظت محیط زیست به یک سیستم مدیریتی مستقل نیاز دارد. سیستم اطلاعات حسابداری نیز به عنوان یکی از بخش‌های مهم سیستم اطلاعات مدیریت می‌تواند نقش به‌سزایی در ارائه‌ی اطلاعات زیست محیطی ایفا نماید. حرفه‌ی حسابداری می‌تواند اطلاعات مناسبی را با افشای مناسب چگونگی ارائه‌ی دارایی‌ها و بدهی‌های زیست محیطی، و چگونگی انعکاس مخارج مصرف شده برای محیط زیست، به مدیریت ارائه کند. ورود محیط زیست به سیستم حسابداری به اصلاح

ادارات محلی و در سطح کوچک وابسته و حسابداری مالی، حسابداری صنعتی یا حسابداری مدیریت داخلی شرکت پشتیبانی کند. در ادامه اصطلاحات مختلف حسابداری سبز تشریح می‌گردد.

حسابداری محیط‌زیست: در سطوح پایین، به معنی وارد کردن به حوزه‌ی بحث حسابداری مسائل شامل حسابداری مالی، حسابرسی گزارش‌ها و حسابداری مدیریت محیط‌زیست است.

حسابداری مدیریت محیط‌زیست: به معنی مدیریت محیط‌زیست و عملکرد اقتصادی از طریق اجراء و توسعه‌ی سیستم‌ها و روش‌های مناسب مربوط به محیط‌زیست می‌باشد که ممکن است شامل گزارشگری و حسابرسی در بعضی از شرکت‌ها شود. حسابداری مدیریت محیط‌زیست معمولاً شامل هزینه‌یابی چرخه‌ی زندگی، ارزیابی سودها و برنامه‌های راهبردی برای مدیریت محیط‌زیست می‌شود.

حسابداری صنعتی محیط‌زیست: به بحث درباره‌ی رفتار هزینه‌های محیط‌زیست می‌پردازد تا به حسابداری بهای تمام شده‌ی کامل، و شامل شناسایی، ارزیابی و تخصیص هزینه‌ی قراردادهای، هزینه‌های زیست‌محیطی و هزینه‌های اجتماعی مربوط به دادرسی‌ها، تولیدات، فعالیت‌ها و یا بودجه‌ها است. واژه‌ی هزینه‌های زیست‌محیطی حداقل به دو جنبه‌ی مهم اشاره دارد:

- ۱) به تنهایی به هزینه‌هایی که مستقیماً بر هزینه‌های خصوصی اثر می‌گذارد اشاره می‌کند.
- ۲) هم چنین می‌تواند شامل هزینه‌هایی برای افراد، جامعه و محیط‌زیست در مواقعی باشد که یک شرکت پاسخ‌گوی هزینه‌ی اجتماعی نیست.

حسابداری زیست‌بوم‌ها: در موارد فراوانی، واژه‌ی حسابداری زیست‌بوم‌ها برای اشاره به گزارش‌های مبتنی بر داده‌های طبیعی استفاده شده است. به‌علاوه حسابداری زیست‌بوم‌ها نوعی از حسابداری محیط‌زیست است. از این لحاظ حسابداری زیست‌بوم‌ها اساساً برای تدارک طرح‌های مدیریت دارایی‌ها در سطح ادارات محلی استفاده شده است. چنین طرح‌هایی، ابزاری جهت ارزیابی شرایط و چرخه‌ی عمر هر دارایی طبیعی خاص ارائه می‌کند.

حسابداری منابع طبیعی: واژه‌ی حسابداری منابع طبیعی بعد از وارد کردن جنبه‌های زیست‌محیطی در سیستم حساب‌های ملی مطرح می‌شود. جایی که تاکید بر دارایی‌های طبیعی، زوال در

● مدیریت صحیح منابع در یک نگرش دوستانه با محیط‌زیست منجر به فواید مستقیمی، هم چون صرفه‌جویی یا کاهش هزینه‌ها، یا فواید غیرمستقیمی، هم چون ایجاد سرفق‌لی بالاتر یا تصویری بهتر از سازمان، می‌شود.

● وجود یک نگرش دوستانه به محیط‌زیست مزیت رقابتی برای سازمان‌ها ایجاد می‌کند.

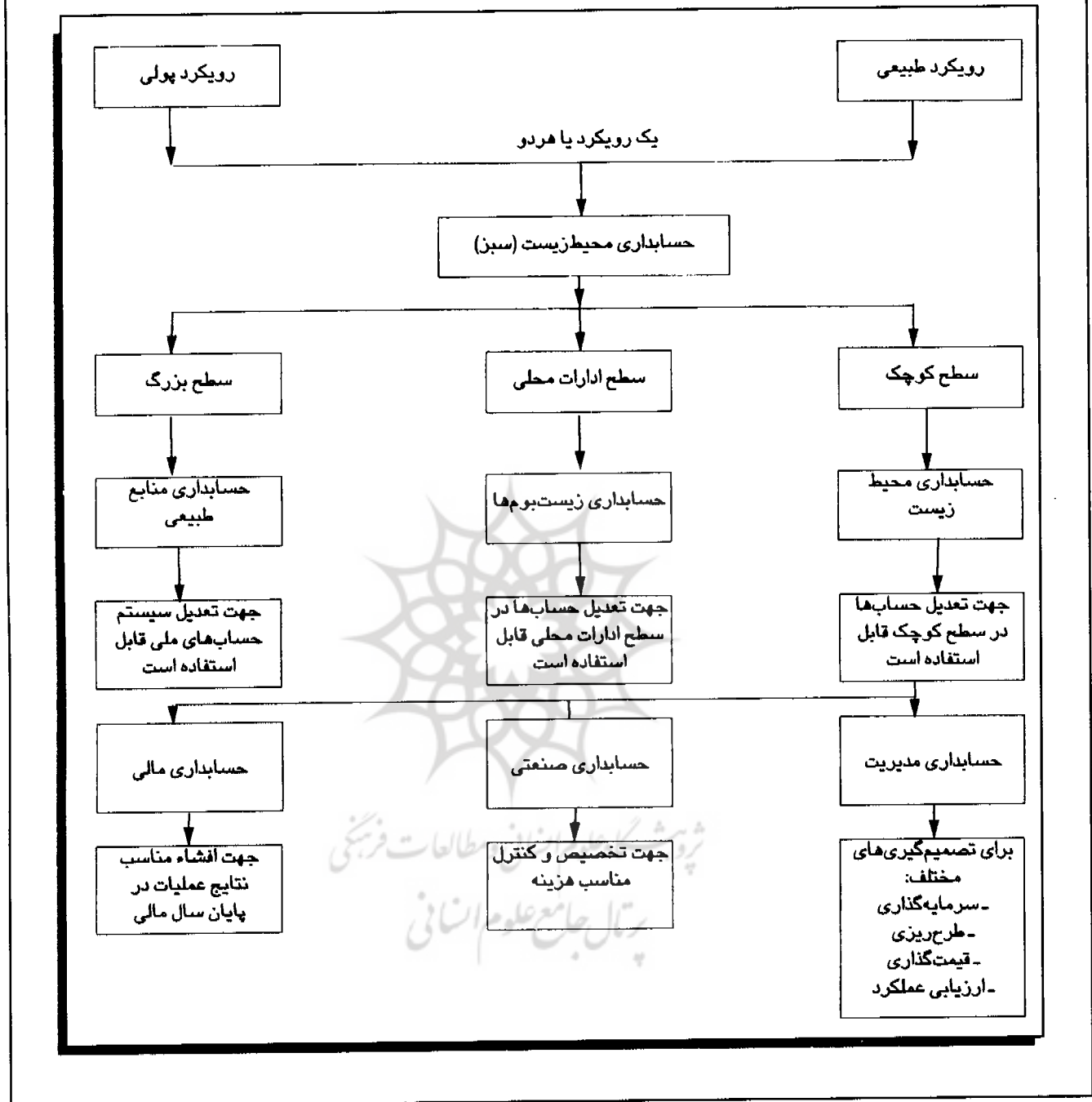
● حسابداری هزینه‌ها و عملکرد محیط‌زیست می‌تواند پشتیبان توسعه‌ی سازمان و اجرای سیستم مدیریت محیط‌زیست<sup>۷</sup> (EMS) و اعتبارنامه‌ی ISO ۱۴۰۰۰ باشد.

به دلایل فوق، این باور وجود دارد که حسابداری باید نسبت به اندازه‌گیری، ارزیابی و افشاء عملکرد زیست‌محیطی در صورت‌های مالی یا پیوست‌های آن مسئول باشد. شکی نیست که اندازه‌گیری عملکرد زیست‌محیطی به سیستم‌های حسابداری بستگی دارد اما برای این منظور به اطلاعات بیشتری در مقایسه با اطلاعات مرسوم حسابداری نیاز است. رویکرد پولی به مسائل زیست‌محیطی، به طور کلی درست نیست. اما اقتصاددانان و حسابداران مجبورند تا بهترین برآوردها را برطبق فنون رایج به دست دهند.

حسابداری سبز

کانون توجه روش‌های حسابداری تنها به جنبه‌های اقتصادی است. جنبه‌های زیست‌محیطی سیستم حسابداری، خصوصاً دارایی‌های (منابع) طبیعی و نقصان‌پذیر، به عنوان حسابداری سبز نامیده می‌شود. واژه‌ی سبز در ۳۰ سال گذشته در ارتباط با مسائل زیست‌محیطی مختلف، خیلی زیاد استفاده شده است. در بسیاری موارد از این واژه برای نامیدن سازمان‌ها و ادارات استفاده می‌شود. حسابداری سبز واژه‌ای کلی است که دربرگیرنده‌ی حسابداری محیط‌زیست، زیست‌بوم‌ها یا منابع طبیعی است. اما افزون بر این حسابداری محیط‌زیست نیز یک واژه‌ی کلی است زیرا به معنی هماهنگی ابعاد مختلف محیط‌زیست در سطوح بزرگ یا کوچک می‌باشد که در سطح کوچک قابلیت اجرایی بیشتری دارد.

حسابداری محیط‌زیست سیستمی است که از توسعه‌ی پایدار، یعنی کسب سود بیش‌تر، به‌ویژه از شرکت‌های انرژی چند ملیتی، پشتیبانی می‌کند. حسابداری محیط‌زیست دارای معانی و کاربردهای زیادی است. حسابداری محیط‌زیست می‌تواند از حسابداری درآمد ملی<sup>۸</sup>، حسابداری زیست‌بوم‌ها در سطح



اصطلاحات فیزیکی و طبیعی، آخرین بقایای منابع و به علاوه تغییرات ایجاد شده در این منابع ارائه می شوند. هیچ نوع ارزش ریالی، بر طبق این رویکرد تعیین نمی شود. آنگاه رویکرد پولی به این دلیل پدیدار شد که داده های رویکرد طبیعی نیازمندی های حسابداری محیط زیست را برآورده نمی کرد.

با این وجود، رویکرد طبیعی از آن رو اهمیت دارد که ۱۵ اطلاعات فیزیکی درباره ی منابع طبیعی و بالتبع اطلاعات آماری ادامه در صفحه ۶۶

کیفیت آن و ... به علت رسیدن به شاخص های اقتصادی تعدیل شده نسبت به محیط زیست مانند درآمد ملی ناخالص می باشد.

رویکرد طبیعی<sup>۹</sup> در مقابل رویکرد پولی<sup>۱۰</sup> بیان دو رویکرد مطرح به حسابداری محیط زیست با ارزش می باشد. نخست رویکرد طبیعی را ملل متحد پیشنهاد کردند. بر طبق این رویکرد عملکردهای زیست محیطی بر حسب



# آینده‌ی حسابداری

آینده‌ی حسابداری فوق‌العاده روشن است و روی هم رفته مادامی که معاملات و رویدادهای محلی، ملی، جهانی و بین‌المللی وجود دارد به تجزیه و تحلیل‌ها، ارزیابی‌ها و پیشنهاد‌های حسابداران نیاز خواهد بود

ترجمه: رضا نعمتی کشتلی



دلیل این‌که ایالات متحد در این عرصه یک رهبر بین‌المللی می‌باشد آن است که سیستم حسابداری توسعه یافته‌ای دارد. به این ترتیب سرمایه‌گذاران می‌توانند صورت‌های مالی را با اطمینان بررسی کنند و به سرمایه‌گذاری بیش‌تری تشویق شوند. در

واقع مباحثات می‌کنیم که یکی از مهم‌ترین صادرات ما سیستم گزارشگری مالی است. یک سوم کشورهای جهان بدون وضع استانداردهای سخت‌گیرانه‌ی حسابداری نمی‌توانند آرزوی موفقیت اقتصادی داشته باشند. چرا که هیچ سرمایه‌گذاری تمایل ندارد سرمایه‌اش را به مخاطره بیندازد، مگر آن‌که بتواند ریسک سرمایه‌اش را به‌طور کمی محاسبه کند. بدون حسابداری تجارت آزاد معنی ندارد. به

چکیده

از آنجا که بیش‌تر تصمیمات مدیران تبعات مالی دارد، بنابراین نظام اطلاعات حسابداری به دلیل اهمیت نقش اطلاعات مالی در تصمیم‌گیری از اهمیت بیش‌تری در مقایسه با سایر نظام‌های اطلاعاتی برخوردار است. به

همین منظور بیش از ۵۰ نفر از رهبران جوامع حسابداری دعوت شده‌اند تا تعریفی از نقش حسابدار در سال ۲۰۱۰ ارائه دهند. آنچه آشکار شد این است که آینده‌ی حسابداری فوق‌العاده روشن است و روی هم رفته مادامی که معاملات و رویدادهای محلی، ملی، جهانی و بین‌المللی وجود دارد به تجزیه و تحلیل‌ها، ارزیابی‌ها و پیشنهاد‌های حسابداران نیاز خواهد بود.

این ویژگی‌ها ایجاد کننده‌ی رابطه بین مقررات‌گذاران، اعضای حرفه و صاحب‌کاران است. شاید تنها تغییری که در کار حسابداران رسمی آینده به وجود خواهد آمد، تغییر ارائه صورت‌های مالی سالانه یا سه ماهانه به ارائه صورت‌های مالی هم زمان و برخط باشد. برای اکثر افراد، کار ساده‌ای خواهد بود که مثلاً از رایانه بخواهند درآمدها و هزینه‌ها را به صورت گزارش‌های مالی چاپ کند. ولی نقش حسابداران رسمی اعتباردهی به مبالغ و طبقه‌بندی درآمدها و هزینه‌ها است، آن‌سان که مدیران، سرمایه‌گذاران، مالکان و بانکداران به نتایج آن‌ها اطمینان نمایند.

سیاست‌ها، روش‌ها و راه کارهای حسابداری موارد زیر تعدادی از وضعیت‌هایی است که در حسابداری مورد نیاز خواهد بود:

حسابداران رسمی شاغل در فعالیت‌های عمومی: بیش‌تر حسابداران رسمی کار خود را در یک موسسه حسابداری آغاز می‌کنند. کسانی که روابطشان را به صورتی مطمئن با مالکان و مدیران موسسه شکل می‌دهند، فعالیت در بخش عمومی را تجربه‌ای متفاوت خواهند دید. برخی از آنها در سطح وسیعی به فعالیت عمومی خواهند پرداخت و بقیه ممکن است، موسسات کوچک یا بزرگی را انتخاب نمایند و شروع به فعالیت نمایند. باید توجه داشت که انتخاب فعالیت در بخش عمومی به معنی پای‌بندی به تغییرات و توسعه‌ی رویدادهای مالی است. در فعالیت‌های عمومی فرصت‌های تخصصی زیادی وجود دارد، برخی برای کمک گرفتن در تصمیم‌گیری‌های مالی از نظرات تخصصی مالی مشاوران استفاده خواهند کرد. اکثر آنها در یک یا دو صنعت یا شرکت‌ها تخصص پیدا خواهند کرد. برخی از آنها هم در خصوص قوانین مالیاتی فعالیت خواهند کرد و در جهت ارائه راه کارهایی برای حداقل کردن مالیات فعالیت خواهند کرد. برخی دیگر وظیفه‌ی تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی فرصت‌های جدید را برعهده خواهند گرفت.

حسابداران رسمی در بخش خصوصی: بیش‌تر حسابداران بلافاصله در بخش صنعت، دولت یا موسسات غیرانتفاعی به کار مشغول می‌شوند و یا بعد از چند سال فعالیت در بخش عمومی به بخش خصوصی وارد می‌شوند. برخی تحلیل‌گر ۱۷ می‌شوند و در خصوص کارایی عملیاتی، ارزیابی مالی،

همین دلیل نقش حسابداران در ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای هر نقطه‌ای از جهان، اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد. سرانجام آینده‌ی حسابداری آن است که اگر شما از بهترین‌ها و مستعدترین‌ها هستید از شما دعوت می‌شود تا در یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها شرکت نمایید، و یک حسابدار رسمی شوید.

مقدمه

با وجود این که پیش‌بینی آینده ناممکن است ولی غالباً روندها و شاخص‌هایی وجود دارند که این امکان را فراهم می‌آورند تا بتوانیم آینده را به صورت اجمالی پیش‌بینی کنیم. به همین منظور بیش از ۵۰ نفر از صاحب‌نظران حرفه حسابداری دعوت شدند تا این شاخص و روندها را بررسی کنند و برخی از آنها را تعیین کنند. موضوع خیلی ساده است، هر یک از این صاحب‌نظران نظر خاص خود را در مورد نقش حسابدار در ۱۰ سال پس از این دارند و از طرفی دانشجویانی نظیر شما نیاز دارند تا سیاست حرفه‌ی حسابداری را بشناسند. این صاحب‌نظران درباره‌ی این موضوع بحث کرده‌اند و شما در زیر برخی از اطلاعات مربوط به موسسات حسابداری آینده را در شش سطح ملاحظه کنید. این اطلاعات تعیین‌کننده‌ی آینده نیستند، بلکه تنها انتظارات و دیدگاه‌های افراد صاحب‌نظر در عرصه‌ی کسب و کار می‌باشد. این شش سطح عبارتند از:

- سیاست‌ها، روش‌ها و راه کارهای حسابداری.
- محیط کار موسسات حسابداری.
- نقش حسابداران غیررسمی در موسسات حسابداری.
- انواع خدمات ارائه شده توسط موسسات حسابداری برای صاحب‌کاران.
- عدم درک عموم از واقعیت.
- فعالیت دانشگاهی، جهت انجام خدمات جهت‌دار.
- حسابداری زبان تجارت است. حسابداری، تجزیه و تحلیل چگونگی استفاده از پول در موسسات تجاری، سازمان‌های غیرانتفاعی، دولت و اشخاص است و خواهد بود. هرگاه، پول در میان باشد، موضوع حسابداری اولین چیزی است که به نظر می‌رسد. حسابداران آینده باید حلال مسائل و مشکلات بدیع، عنصری ماهر در کارهای تیمی، کاربر نابغه‌ی فناوری و کارشناس زیرک مسائل قانونی باشند.

طراحی و پیش‌بینی (بودجه‌بندی) فعالیت می‌کنند. بقیه نیز به عنوان بخشی از مدیریت در مشاغلی هم چون کنترلر، مدیر مالی یا مدیر اجرایی فعالیت می‌کنند. بایستی توجه داشت که طراحی سیستم‌های رایانه‌ای که جریان پول در شرکت‌ها را ردیابی می‌کنند از وظایف حسابداران رسمی می‌باشد.

حسابداران: همه ساله هزاران دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی حسابداری از دانشگاه‌ها وارد عرصه کار می‌شوند. ولی برای گرفتن گواهینامه‌ی حسابدار رسمی اقدام نمی‌کنند. آنها در کارهایی نظیر سیستم‌های رایانه‌ای، تنظیم اظهارنامه‌های مالیاتی، بانکداری، بیمه و سایر سرمایه‌گذاری‌ها و صدها موقعیت دیگر در زمینه‌های تجاری مشغول می‌شوند.

آینده: آنچه این فرصت‌های شغلی را با هم مرتبط می‌کند، همان اصطلاح پول است. یک واحد تجاری بدون ایجاد پول برای مالکان از بین خواهد رفت. یک موسسه‌ی غیرانتفاعی نمی‌تواند بدون دریافت و پرداخت پول وظایف اجتماعی خود را انجام دهد و دولت بدون داشتن توانایی دریافت مالیات و توزیع پول موجودیت نخواهد داشت. هر رویدادی در جامعه به سیستم مالی بستگی دارد، در حقیقت حسابداری یک فناوری و مجموعه‌ای از مقررات است که همه سیستم‌های مالی بر مبنای آن می‌باشد و حسابداران کارشناسانی هستند که قوانین و مقررات را به عنوان مرجع رویدادهای مالی به کار می‌برند. از آغاز شکل‌گیری جوامع متمدن، حسابداران و حسابداری نقش مهمی را بازی کرده‌اند. مادامی که تغییر ارزش، بخشی از تعاملات بشری باشد به حسابداری و حسابدار نیاز است. به‌طور خلاصه به عنوان یک اصل حسابداری شما از تعداد بی‌شماری حق انتخاب برخوردار هستید چرا که شما یک کارشناس شناخته شده در رویدادهای مالی هستید و در مجموع اگر شما در امتحان CPA قبول شوید می‌توانید به عضویت گروه تصمیم‌گیران فعالیت‌های عمومی، تجاری یا سایر بخش‌های خصوصی نائل شوید. شما خیلی موفق خواهید بود چرا که به خدمات کارشناسی شما نیاز است.

محیط کار موسسات حسابداری

حسابداری نیز مانند سایر حرفه‌ها به کارها پاداش می‌دهد. پزشکان، وکلا و حسابداران رسمی در یک محیط پرتوقع اجرا و تولید زندگی می‌کنند. محیط کار به ندرت

خسته کننده است. ارتباطات مداوم با تصمیم‌گیران سطح بالا و تبادل آراء عقاید با آنها، انگیزش یادگیری، استفاده از فناوری، تفاوت و گوناگونی انتشارات و انعطاف‌پذیری برنامه‌ها به رضایت و مطالبات مجریان رده بالا کمک می‌کند. از حسابداران اضافه‌کاری خواسته می‌شود، به‌ویژه در مراحل معین از پروژه و فصول پرکاری، اما آنچه بدیهی به نظر می‌رسد فصل پرکاری پایانی دارد. به‌طور متوسط حسابداران بیش از ساعات معینی که در مقررات آمده است کار نمی‌کنند. ۲۲۵۰ الی ۲۵۰۰ ساعت در سال (۴۵ الی ۵۰ ساعت) در هفته میزان نرمال آن است. همان‌طور که تقاضا برای پرسنل شایسته افزایش می‌یابد، میل به تعدیل محیط کار با نیازها و طرز زندگی کارمندان افزایش خواهد یافت. تا سال ۲۰۱۰ مدل‌های کار در موسسات حسابداری گوناگون خواهند شد. برخی از مدل‌ها با استفاده از فناوری از نظر زمانی و مکانی انعطاف نسبتاً زیادی ایجاد می‌کند و سایر مدل‌ها ساعات را برای تطبیق مفاهیم خانواده و زندگی - کار با ترجیحات شخصی ترکیب خواهند کرد. برای مثال شخصی ممکن است با تقبل بدهی به صورت شش ماهه بخواهد در ساخت یا خرید خانه تسریع کند یا شخص دیگری بخواهد کار را به ۲۴ ساعت در هفته کاهش دهد تا بتواند به خانواده‌اش رسیدگی کند. در مجموع ترکیبی از تجربه‌های موفق بدون توجه به زمان آن یک معیار اولیه برای پیشرفت است. مدارکی وجود دارد که نشان می‌دهد صورت حساب‌های مبتنی بر ساعت تا سال ۲۰۱۰ از رده خارج خواهد شد. حسابداران در واحدهای تجاری، موسسات غیرانتفاعی، دولت و سایر موقعیت‌ها نوعاً یک حقوق سالانه و سودهایی مطابق با انتظارات شغلی خود دریافت خواهند کرد. ولی یک موسسه‌ی حسابداری، صرف نظر از اندازه‌ی موسسه، شبیه به یک محیط تجاری کوچک کارآفرین می‌باشد، و سرانجام هرکس در قبال آنچه تولید می‌کند پول دریافت می‌کند. شاید بیش‌تر مشکلات مربوط به گذار از محیط دانشگاهی به محیط موسسات حسابداری در این مفهوم نهفته باشد که هر دقیقه ارزش دارد. افراد حرفه‌ای با تجربه هر دقیقه از وقتشان را ارزش‌یابی می‌کنند.

نقش حسابداران غیررسمی در موسسات حسابداری

با افزایش هزینه‌ی حسابداران رسمی، کاهش دسترسی

سایر خدمات موسسات حسابداری به صاحبان کار	برخی از خدمات موسسات حسابداری متوسط
۱- رسیدگی به تقلب و کلاهبرداری	۱- تحلیل و ترکیب‌ها
۲- ارزشیابی	۲- منافع/پاداش
۳- طراحی روش‌ها و فرایندها	۳- طراحی راهبردی
۴- مدیریت قرارداد	۴- پشتیبانی و مشاوره در مورد دعاوی حقوقی/حل منازعات
۵- مطالعات بهبود سود/گردش وجه نقد	۵- کارهای بزرگ‌تر
۶- استخدام اعضای جدید/مدیریت منابع انسانی	۶- رسیدگی به تقلب و کلاهبرداری/کنترل داخلی
۷- طراحی جانشین	۷- سرمایه‌گذاری‌ها/خدمات مالی
۸- ارزیابی و بررسی محل	۸- ارزیابی ریسک
۹- بررسی رعایت قوانین ایالتی و فدرال	۹- مشاوره در مورد سیستم‌های رایانه‌ای
۱۰- مشاوره‌ی بازاریابی	۱۰- تجارت الکترونیک

کار عرضه می‌کنند. این خدمات ریشه در حسابداری دارند ولی مجموعه‌ی مهارت‌های مورد نیاز برای فراهم کردن این خدمات برای صاحب کار جدا از تمرین و تجربه‌ی حسابداران است. به همین ترتیب ممکن است حسابداران غیررسمی برای انجام این خدمات به کار گرفته شوند. طی دو دهه‌ی گذشته تعداد و انواع حسابداران غیررسمی که کارهای حسابرسی و مالیاتی را تحت نظارت حسابداران رسمی انجام می‌دهند به آرامی افزایش یافته است. طی دهه‌ی آینده انتظار داریم که این تعداد به صورت دراماتیک افزایش یابد، به دو دلیل: ۱- کمبود بحرانی حسابداران رسمی؛ ۲- بی‌میلی صاحب کار به پرداخت نرخ‌های صورت حساب‌های حسابداران رسمی.

انواع خدمات ارائه شده توسط موسسات حسابداری متوسط  
صاحب کار

در حال حاضر صدها نوع خدمات وجود دارد که حسابداران به صاحبان کار ارائه می‌کنند. یک حسابدار رسمی نمی‌تواند در مورد اعتبار یک صورت مالی نظری بیان کند که دیگران به آن تکیه کنند و هم زمان خدماتی را برای صاحب کار انجام دهد به طوری که بر قضاوتش درباره‌ی آن صورت‌های مالی تأثیر گذارد. برای مثال اگر یک موسسه‌ی حسابداری یک بانک را حسابرسی کند و آن بانک همان موسسه را برای بررسی نرم‌افزار مدیریت وجه نقد به کار

بسه دانش‌آموختگان حسابداری و افزایش دراماتیک فرصت‌ها برای خدمات مشاوره‌ای در موسسات تجاری، موسسات انتخاب اندکی دارند. ولی با این حال نیروی کار خود را با حسابداران غیررسمی و غالباً با غیر حسابداران تکمیل می‌کنند. رشد و سودآوری سیستم‌های خدمات مشاوره‌ای یک مثال اولیه است چون حسابداران در مورد مسیر و کنترل جریان وجه نقد در واحد تجاری آگاهی دارند و برای توسعه‌ی سیستم‌های خدمات مشاوره‌ای، یک انتخاب طبیعی به شمار می‌روند. ولی کمیسیون بورس اوراق بهادار اخیراً در مورد افزایش‌های بالقوه‌ی سودهای موسسات حسابداری بیان کرده است که بیشتر موسسات حسابداری اندازه و جریان درآمدهایشان را با ایجاد واحدهای خدماتی بیرون از حسابداری سنتی به صورت دراماتیک افزایش داده‌اند. برای انجام این کار آنها ده‌ها هزار حسابدار غیررسمی یا افراد غیر حسابدار را به عنوان مشاور سیستم به کار گرفته‌اند. امروزه هر پنج موسسه‌ی بزرگ حسابداری کار مشاوره را رها کرده‌اند یا بزودی رها خواهند کرد. تقریباً همه‌ی موسسات حسابداری در حال رشد به انواع خدمات غیررسمی مشغول هستند. بیشتر آنها خدمات فرعی هم چون خدمات مشاوره‌ی سرمایه‌گذاری، تحقیق و بررسی موارد تقلب و کلاهبرداری، اثبات و انجام دعاوی حقوقی، ارزشیابی، طرح‌های مشاوره‌ای یا اداری سودآور و خدمات منابع انسانی برای صاحب

# اطلاعیه مهم

CPE

6

## جامعه حسابداران رسمی ایران درباره آموزش حرفه‌ای مستمر «احم»

همکاران و اعضای محترم

چنانچه مستحضرید آموزش حرفه‌ای مستمر «احم» از الزامات تشکیل‌دهنده حرفه‌ای است. براساس ضوابط فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC) آموزش حرفه‌ای مستمر جزء الزامات اجباری تشکیل‌دهنده عضو تلقی، و افزون بر این پیش‌بینی ضوابط انضباطی به منظور اطمینان یافتن از رعایت مفاد آن نیز الزامی شده است. اساس آموزش حرفه‌ای مستمر حفظ صلاحیت حرفه‌ای حسابداران رسمی در بلندمدت است. هدف‌های آموزش حرفه‌ای مستمر به قرار زیر است:

- دانش فنی و مهارت‌های حرفه‌ای اعضا را در سطحی قابل قبول حفظ کند و بهبود بخشد.
- اعضای حرفه را در به‌کارگیری تکنیک‌های جدید، شناخت پیشرفت‌های اقتصادی و ارزیابی آثار آن بر صاحبکاران، کارفرمایان و کار اعضا و نیز برآورده کردن انتظارات گوناگون جامعه از حسابداران یاری کند.
- نظام اقتصادی کشور، در کل اطمینان یابد، اعضای حرفه، از دانش فنی و مهارت‌های حرفه‌ای مورد نیاز برای ارائه خدمات خود برخوردارند. پیشنهاد فدراسیون بین‌المللی حسابداران آن است که هر عضو باید حداقل ۳۰ ساعت آموزش در سال یا ۹۰ ساعت آموزش در هر دوره سه‌ساله را بگذرانند. پیشنهاد اولیه در جامعه ۲۰۰ امتیاز برای اولین دوره دوساله (آزمایشی) است که این امتیاز برحسب مورد به ساعت تبدیل و اعلام خواهد شد. ۲۰۰ امتیاز مزبور حدود ۱۰۰ ساعت آموزش حرفه‌ای مستمر پیش‌بینی می‌شود.
- ششمین موضوع تعیین شده در مجله حسابدار، مقاله «ارزیابی متوازن» است که توسط محمدمهدی حمیدزاده و آقای حسین کاظمی تهیه شده و دارای ۱۵ امتیاز آموزش حرفه‌ای است. ضمن سپاسگزاری از دست‌اندرکاران مجله حسابدار مجموعه سوالات تشریحی در صورت امکان به نحو مناسب منتشر خواهد شد.

۱- در ارزیابی متوازن برای ارزیابی عملکرد از چه معیارهایی استفاده می‌شود؟

الف) مالی

ب) عملیاتی

ج) مالی و عملیاتی

د) مالی و اداری

۲- شناسایی نیازهای مشتریان و تامین آن، رضایت مشتریان را به همراه دارد سه بخش اصلی این نیازها کدام است؟

الف) زمان، کیفیت، هزینه‌ها

ب) زمان، خدمات بعد از فروش، هزینه‌ها

ج) کیفیت، خدمات بعد از فروش، هزینه‌ها

د) زمان، تضمین محصول کیفیت

۳- کدام فرایندها زنجیره ارزش سازمان را تشکیل می‌دهند؟

الف) عملیاتی، خدمات بعد از فروش، کیفیت

ب) مالی، عملیاتی، اداری

ج) نوآوری، عملیاتی، خدمات بعد از فروش

د) مالی، عملیاتی، نوآوری

۴- خدمات فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده معمولاً چه چیزی به دنبال دارد؟

الف) افزایش کیفیت

ب) کاهش قیمت

ج) افزایش، رقابت، افزایش تولید

د) افزایش کیفیت، کاهش قیمت

۵- کدام گزینه از مزایای اجرای ارزیابی متوازن است؟

الف) محدود کردن معیارهای عملکرد

ب) افزایش تولید

ج) توجه به معیارهای عملیاتی به جای معیارهای مالی

د) تامین نیازهای مشتریان

۶- کدام گزینه از معیارهای اندازه‌گیری برای سنجش و ارزیابی موفقیت در انجام فرایند نیست؟

الف) افزایش ضریب کارایی

ب) بهبود کیفیت

ج) کاهش میزان ضایعات و دوباره‌کاری

د) افزایش ثروت سهامداران

۲۰ سوال تشریحی

ارزیابی متون را با سایر روش‌های اندازه‌گیری عملکرد و سیستم‌های کنترلی مقایسه کنید و تفاوت‌های آن را بنویسید؟



# ارزیابی متوازن

جامعه حسابداران رسمی ایران  
آموزش حرفه ای مستمر (احم)  
مطالعه این مقاله و پاسخ درست به سوال های طرح شده  
در صفحه ۲۱ این مجله ۱۵ امتیاز دارد

محمد مهدی حمیدی زاده  
حسین کاظمی



یکی را انتخاب نمایند. اندازه‌های مالی نتایج عملیات سازمان را اندازه‌گیری می‌کنند و اندازه‌های عملیاتی، فعالیت‌ها و اقداماتی را اندازه می‌گیرند که برای بهبود عملکرد آینده سازمان انجام شده‌اند. نتایج پژوهش‌های انجام شده حاکی از این است که مدیران نیز خواستار ارائه‌ی بینابینی از

اندازه‌های مالی و عملیاتی هستند.

به منظور تشخیص سلامت سازمان باید ارزیابی عملکرد با هر دو اندازه‌ی مالی و عملیاتی انجام شود. این ترکیب ارزیابی عملکرد، "ارزیابی متوازن"<sup>۱</sup> نامیده می‌شود. ارزیابی متوازن مانند عقربه‌ها و نمایشگرهای درون کابین هواپیماست. برای عملیات پیچیده هدایت یک هواپیما، خلبان به اطلاعات کاملی از جنبه‌های گوناگون پرواز احتیاج دارد. خلبان به اطلاعاتی در مورد سوخت، سرعت باد، ارتفاع، قدرت تحمل، مقصد و دیگر

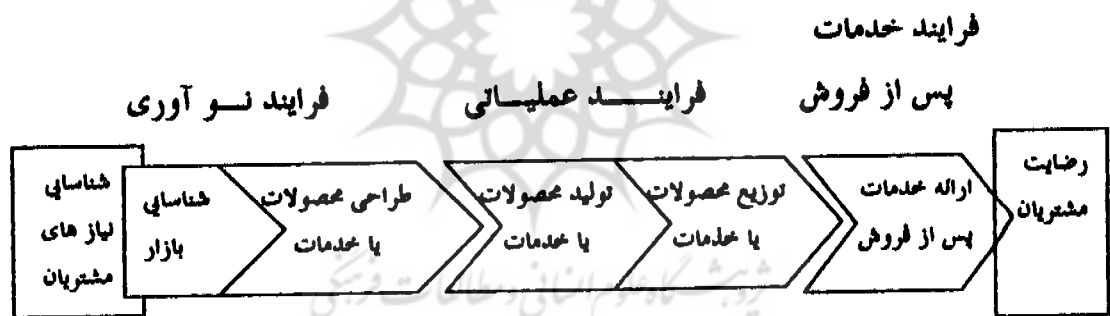
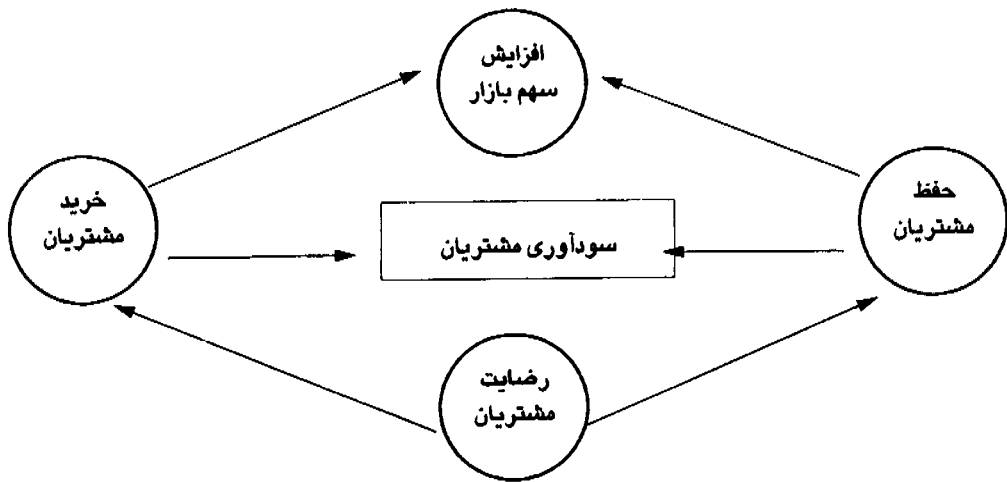
مقدمه

این نوشتار روش جدیدی را برای اندازه‌گیری عملکرد سازمان‌ها نشان می‌دهد. اکثر روش‌های اندازه‌گیری عملکرد سنتی، اساساً بر اندازه‌های مالی مانند بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها یا سود هر سهم تاکید می‌کنند. اندازه‌های سنتی عموماً مربوط به

نتایج عملیات انجام شده هستند و ممکن است علائم همراه‌کننده‌ای برای بهبود مداوم و ابداعات ضروری در محیط تجاری امروزی باشند.

عده‌ای عقیده دارند که اندازه‌های مالی را فراموش کنید و اندازه‌های عملیاتی مانند چرخه‌ی زمانی (زمان لازم برای تولید یک واحد محصول)، بهبود کیفیت و حداکثر کردن توان عملیاتی را توسعه دهید. در این صورت، نتایج مالی نیز به دنبال آن‌ها خواهند آمد. اما مدیران نباید از بین اندازه‌های مالی و عملیاتی

شکل ۱ افزایش سهم بازار



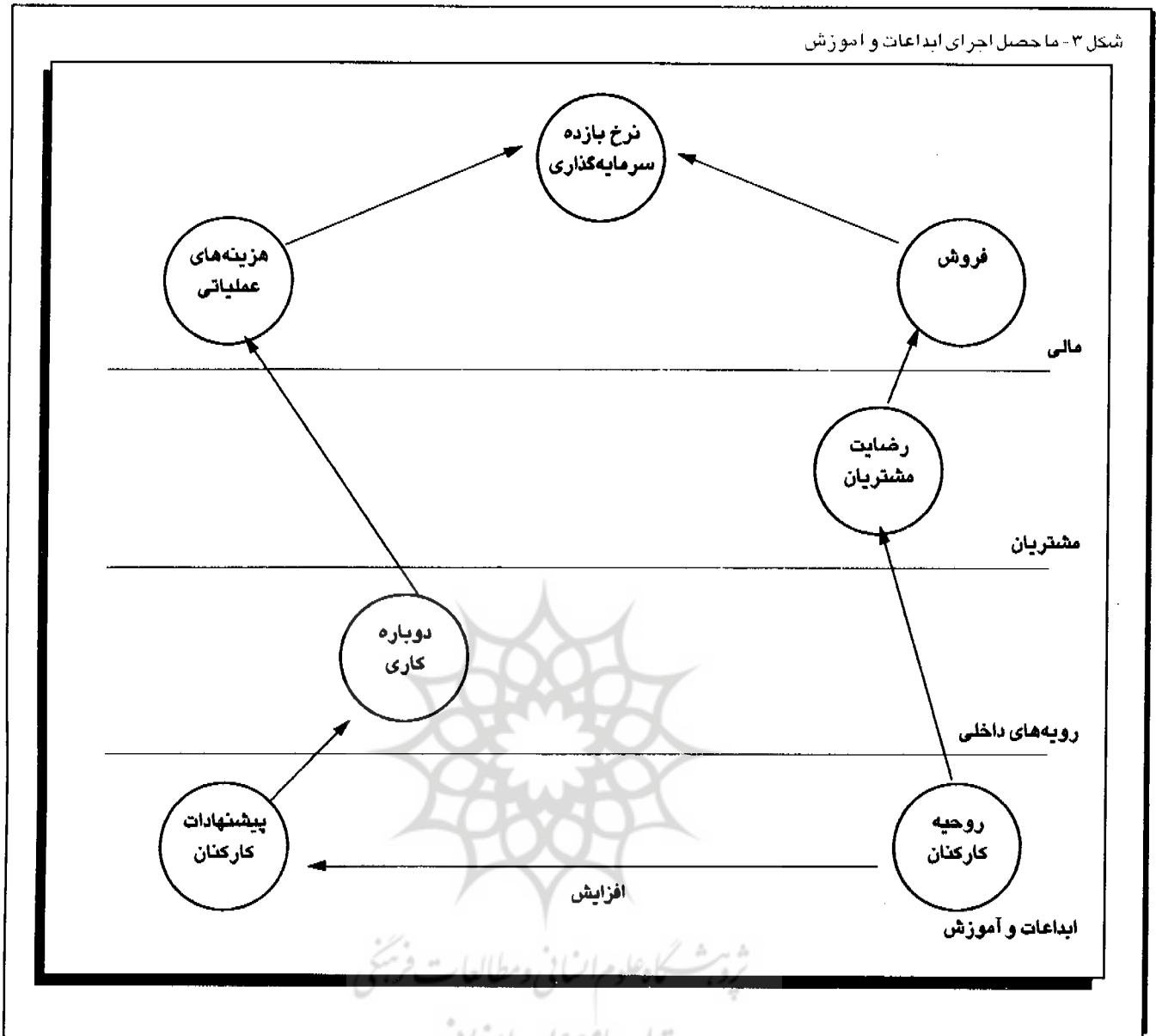
مشتریان

پرسش کلیدی: برای دستیابی به اهدافمان، چگونه باید در برابر مشتریان ظاهر شویم؟ عملکرد سازمان از دیدگاه مشتریان یک اولویت در محیط تجاری - رقابتی امروزی است. بنابراین اولین دیدگاه ارزیابی متوازن تاکید بر چگونگی دیدگاه‌های مشتریان سازمان است. امروزه در بسیاری از سازمان‌ها کمیته‌ای وجود دارد که به مشتریان و تامین نیازهای آنان می‌پردازند. ارزش دادن به مشتری یکی از اصول عادی این کمیته‌ها است. ارزیابی متوازن درصدد آن است که مدیران اظهارات این کمیته را که درباره‌ی سرویس‌دهی به مشتریان است ارزیابی کنند تا مقاصد واقعی مشتریان نشان داده شود.

شناسایی نیازهای مشتریان و سعی و تلاش در جهت تامین

نشانه‌هایی که محیط فعلی و آینده را نشان می‌دهند نیازمند است. به این نکته‌ی اساسی باید توجه شود که تکیه‌ی صرف بر یکی از ابزارها می‌تواند خطرناک باشد. به همین قیاس، امروزه به دلیل پیچیدگی اداره‌ی یک سازمان، مدیران باید اطلاعات جامع و کاملی از قسمت‌های مختلف سازمان خود داشته باشند. ارزیابی متوازن سازمان را از چهار جنبه‌ی متفاوت اما مرتبط بررسی و ارزیابی می‌کند و بر پاسخ چهار پرسش زیر تاکید دارد:

- (۱) مشتریان چگونه ما را می‌بینند؟ (دیدگاه مشتریان<sup>۱</sup>)
- (۲) چه چیزی را باید عالی انجام دهیم؟ (دیدگاه داخلی<sup>۲</sup>)
- (۳) آیا می‌توانیم ارزش ایجاد کنیم و بهبود را تداوم دهیم؟ (دیدگاه ابداعات و آموزش<sup>۳</sup>)
- (۴) چگونه باید به سهامداران نگاه کنیم؟ (دیدگاه مالی<sup>۴</sup>)



می‌دهد که محصول یا خدمت جدید فرایند زنجیره‌ی ارزش<sup>۷</sup> را طی کند (یعنی از مرحله‌ی تحقیق و توسعه محصول یا خدمت جدید تا مرحله عرضه آن به بازار). کیفیت، به مفهوم انطباق با استانداردها یا مطابقت با جدول زمان‌بندی تحویل است. کیفیت، سطح مطلوبیت و کیفیت محصولات را آن طور که مشتریان مشخص کرده‌اند اندازه‌گیری می‌کند و هم چنین تحویل به موقع محصولات یا خدمات توسط سازمان را می‌سنجد. هزینه‌ها شامل قیمت اقلام مورد نظر و هر هزینه‌ی دیگری است که ممکن است مشتری در استفاده از آن قلم متحمل شود. برای مثال یک مشتری ممکن است مایل باشد هرگاه تحویل به مقدار صحیح و در زمان تعهد شده و محل تحویل مورد نظر صورت گیرد قیمت<sup>۲۳</sup> بیشتری بپردازد.

این نیازها موجبات رضایتمندی مشتریان را فراهم می‌آورد. زمانی که مشتریان احساس رضایتمندی نمایند معاملات بیش‌تری را با سازمان انجام می‌دهند و جریان ورودی نقد به سازمان افزایش می‌یابد و بدین ترتیب متابعی فراهم می‌آید تا انتظارات سایر ذی‌نفعان نیز نظیر سهامداران، دولت و کارکنان تامین گردد (به نمایشگر ۱ نگاه کنید).

به همین جهت نیازهای مشتریان به سه بخش عمده تقسیم می‌شود: زمان، کیفیت، و هزینه‌ها. زمان تحویل<sup>۸</sup>، زمان مورد نیاز برای تسامین نیازهای مشتریان را اندازه‌گیری می‌کند. برای محصولات یا خدمات موجود، زمان تحویل، از زمان دریافت سفارش تا زمان ارائه‌ی محصول یا خدمت به مشتری می‌باشد. برای محصولات یا خدمات جدید، زمان تحویل، زمانی را نشان

# نظام حسابداری و گزارشگری مالی پرتغال

دکتر محسن خوش طینت

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

علیرضا خالقی

قاسم بولو

دانشجویان دوره دکترای حسابداری

## مقدمه

دو واقعه‌ی اساسی بر تاریخ چند ساله‌ی اخیر کشور پرتغال سایه افکنده است: رشد تدریجی اقتصاد و پذیرفتن جایگاه گزارشگری مالی شرکت‌ها. که اولی در ۱۹۷۴ پس از لغو قوانین استبدادی و معرفی سیاست‌های دموکراتیک آغاز شد و دیگری در سال ۱۹۸۶ در نتیجه‌ی عضویت در اتحادیه‌ی اروپا و اوج جریان گشودن مرزها و آزادسازی اقتصاد به وجود آمد.

این کشورها همانند سایر کشورهای جنوب اروپا دارای سیستم قانونی مبتنی بر قانون رم می‌باشد. ساختار اصلی قوانین تجاری و مالیاتی این کشور به زمان ناپلئون باز می‌گردد که با گذر زمان به منظور تطبیق با تغییرات اجتماعی و اقتصادی بازمینی شده‌اند. در قوانین تجاری این کشور، گونه‌های متفاوتی از ساختار شرکت‌ها معرفی شده است که مهم‌ترین آن‌ها شرکت‌های سهامی<sup>۱</sup> و شرکت‌های خصوصی با مسئولیت محدود<sup>۲</sup> می‌باشند.

ورود پرتغال به اتحادیه‌ی اروپا و الزام به رعایت چهارمین و هفتمین منشور

اتحادیه‌ی اروپا، موجبات تجدید نظر در قوانین تجاری را فراهم آورد. در نوامبر ۱۹۸۶ قانون شرکت‌های تجاری<sup>۳</sup> منتشر شد که براساس آن شرکت‌های پرتغالی می‌بایست صورت‌های مالی یکسانی را تهیه نمایند. تا آن زمان چگونگی عملیات حسابداری عمدتاً از طریق قوانین مالیاتی مشخص می‌شد و در ۱۹۷۷ در عمل طرح حسابداری رسمی پرتغال<sup>۴</sup> به منظور آسان‌تر نمودن روش تعیین درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها طراحی شد و به افشای اطلاعات مالی شرکت‌ها به منظور نشان دادن عملکرد و وضعیت مالی آنها پرداخته بود.

قانون مالیات، قبل از تجدید نظر، شامل مجموعه‌ای از روش‌ها و قواعد ارزش‌گذاری و ثبت بود که برای تهیه‌ی صورت‌های مالی نیز به کار گرفته می‌شد. پس از اصلاح قوانین مالیاتی و متعاقباً اجباری شدن روش‌های حسابداری جدید<sup>۵</sup> در ۱۹۸۹، روش‌ها و قواعد مذکور تنها برای مقاصد مالیاتی به کار گرفته شد. علاوه بر این، بورس‌های سهام لیسبون<sup>۶</sup> و پورتو<sup>۷</sup> که در آنجا سهام و سایر اوراق بهادار شرکت‌ها معامله می‌شود

نیز بر گزارشگری مالی شرکت‌ها موثر بوده و هستند. صورت‌های مالی شرکت‌ها شامل ترازنامه، سود و زیان و یادداشت‌های توضیحی است. شرکت‌های کوچک‌تر از اندازه‌ای مشخص می‌توانند صورت‌های مالی فشرده و خلاصه ارائه نمایند. این صورت‌ها می‌بایست تصویر درست و منصفانه‌ای از وضعیت و عملکرد شرکت‌ها را ارائه کنند و به همراه گزارش مدیریت، و در صورت لزوم گزارش حسابرسی، به منظور استفاده‌ی عموم به اداره ثبت تجاری<sup>۸</sup> تسلیم شود.

نحوه‌ی حسابداری و گزارشگری بانک‌ها و دیگر موسسات مالی و هم چنین شرکت‌های بیمه، با قواعد روش‌های حسابداری متفاوت است. روش‌های حسابداری بانک‌ها را بانک پرتغال<sup>۹</sup> و روش‌های حسابداری شرکت‌های بیمه را انجمن بیمه‌ی پرتغال<sup>۱۰</sup> تعیین می‌کنند.

آخرین اصلاحیه‌ی روش‌های حسابداری که در ۱۹۹۲ منتشر گردید، صورت‌های مالی تلفیقی را برای تمام شرکت‌های تحت کنترل شرکتی اصلی الزامی نمود. البته برخی شرکت‌ها به

دلالتی، از قبیل کوچکی اندازه یا تعلق به شرکتی اصلی که در یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به ثبت رسیده است، از این قاعده مستثنی گردیده اند. ولی به هر حال کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، در صورت مقتضی، باید صورت‌های مالی تلفیقی سالانه منتشر نمایند. در مجمع عادی سالانه سهامداران باید صورت‌های مالی تلفیقی گروه نیز تصویب شود. این صورت‌ها باید حسابرسی شده باشد و همراه با گزارش مدیریت از گروه تلفیقی به اداری ثبت شرکت‌ها ارائه شود.

تمام شرکت‌هایی که از اندازه‌ی مشخصی بزرگ‌ترند، شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، موسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه، باید حسابرسی شوند. حسابرسان توسط مجمع عادی سالانه‌ی سهامداران و برای حداقل ۳ سال انتخاب می‌شوند. علاوه بر این، شرکت‌هایی که مشمول حسابرسی اجباری نیستند با رای بیش از ۵ درصد سهامداران نیز می‌توانند تقاضای انتخاب حسابرس را داشته باشند. حسابرسان کشور پرتغال عضو انجمن‌های حرفه‌ای هستند و باید از طریق **کانون حسابداران رسمی**<sup>۱۱</sup> که مسئولیت انتشار استانداردهای حسابداری را نیز برعهده دارد، به رسمیت شناخته شوند.

تاریخ حسابداری کشور پرتغال را می‌توان به ۵ دوره تفکیک نمود. اولین دوره از آغاز تشکیل ملت پرتغال در ۱۱۴۳ آغاز شد و تا قرن پانزدهم ادامه داشت. در این دوره، پرتغال کشوری پیشرو در تجارت و کشتیرانی به حساب می‌آمد، ولی به نظر می‌رسد که حسابداری حالت بدوی و ابتدایی داشت. دوره‌ی دوم که از قرن ۱۶ تا نیمه‌ی اول قرن ۱۸ طول کشید، دوره‌ی

به‌کارگیری حسابداری دو طرفه بود لیکن هیچ‌گونه مدارک و مستنداتی در تایید این نظر وجود ندارد. در دوره‌ی سوم که از اواسط قرن ۱۸ شروع شد و تا اوایل قرن بیستم ادامه داشت تجارت، اقتصاد و حسابداری به صورت قانون‌مند درآمد. در این دوره موسسه‌ای با فرمان پادشاه برای آموزش حسابداری و بازرگانی ایجاد شد و کتاب‌هایی نیز برای این امر تهیه و نگارش گردید. در ۱۸۸۸ با تلاش عده‌ای از حقوقدانان و سیاستمداران، قانون تجارت با اقتباس از قوانین فرانسه تهیه شد که شامل الزاماتی جهت نگهداری دفاتر حسابداری بود. گفتنی است که هنوز هم برخی از مواد این قانون مثل نگهداری دفاتر روزنامه و کل به قوت خود باقی است. این دفاتر می‌بایست ظرف ۱۹ روز نوشته شده و به مدت ۱۰ سال نگهداری شوند و صفحات آن نیز می‌بایست توسط مقامات مالی کشور مهور گردد.

به نظر می‌رسد که دوره‌ی چهارم از اواخر دهه‌ی ۱۹۲۰ آغاز گردید، یعنی زمانی که حسابداری به عنوان یک دانش در کنار اقتصاد و تجارت قرار گرفت. کتاب‌های متعددی در این دوره به رشته تحریر درآمد و نویسندگان مشهوری در زمینه‌ی حسابداری پا به عرصه وجود گذاشتند. نشریه‌ی حسابداری با عنوان **بررسی‌های حسابداری و تجارت**<sup>۱۲</sup> در ۱۹۳۳ منتشر شد و تاکنون نیز انتشار آن ادامه دارد. ولی با همه‌ی این‌ها آموزش حسابداری در این دوره رشد قابل توجهی نداشت و حسابداری در دانشکده‌های حقوق و اقتصاد تدریس می‌گردید.

دوره‌ی پنجم هم زمان با تحولات شگرفی است که در ۲۰ ساله‌ی اخیر در زمینه‌ی اقتصاد، سیاست و نتیجتاً حسابداری این کشور به‌وقوع پیوسته است. این تحولات با چشم‌پوشی این کشور از مستعمرات آفریقایی‌اش که مخارج زیادی را

در برداشت، و عضویت در اتحادیه‌ی اروپا در ۱۹۸۶ آغاز گردید. پرتغال از این تاریخ به عنوان عضوی از جامعه‌ی اروپا، توجه بیشتری به اقتصاد، حسابداری و گزارشگری مالی معطوف داشته است.

قبل از عضویت در اتحادیه‌ی اروپا، توسعه‌ی حسابداری تحت تاثیر تفکر فرانسوی قرار داشت. قبل از انقلاب ۱۹۷۴، پژوهش‌هایی را وزارت دارایی به منظور تدوین طرح جامع توسعه و بهبود سیستم‌های حسابداری برای تعیین مناسب‌تر سود مشمول مالیات شرکت‌ها انجام داد. که نتیجه‌ی آن معرفی روش حسابداری عمومی فرانسه (مصوب ۱۹۵۷) به عنوان بهترین الگو بود. اگر چه در قرن نوزدهم قوانین و نظریات فرانسوی تاثیر به‌سزایی در قوانین تجاری پرتغال داشت لیکن این اثر در سال‌های اخیر به‌شدت رو به افول است.

توسعه‌ی دانش حسابداری از طریق قانونی کردن تشکیل کمیته‌ی استانداردهای حسابداری<sup>۱۳</sup> و هم چنین تصویب طرح حسابداری رسمی<sup>۱۴</sup> در ۱۹۷۷ گامی رو به جلو تلقی می‌شد. ولی تحول اصلی توسط سیاستمداران و اقتصاددانان اوائل دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و از طریق تدوین طرح جامعی در خصوص قانون‌گذاری در حسابداری ایجاد گردید. در نوامبر ۱۹۸۹ نسخه‌ی تجدید نظر شده‌ی طرح حسابداری، به منظور رعایت هفتمین منشور عمومی اتحادیه‌ی اروپا بازنگری شد.

به رغم همه‌ی این تغییرات، هنوز هم قوانین مالیاتی تاثیر قابل توجهی بر حسابداری مالی دارد. هر چند که به مرور این نقش کم‌رنگ‌تر می‌گردد. در حال حاضر، جنبه‌هایی از حسابداری مانند ارزش‌گذاری موجودی‌ها، تجدید ارزیابی و استهلاک دارایی‌های ثابت و ذخایر کاهش ارزش دارایی‌ها بیشتر تر از سایر جنبه‌ها تحت تاثیر **۲۵** قوانین مالیاتی هستند.



پرتغال همانند سایر کشورهای اروپایی، انجمن‌های حرفه‌ای متعددی برای حسابداری و حسابرسی دارد و در حال حاضر بزرگ‌ترین موسسات بین‌المللی حسابداری فعالیت گسترده‌ای در این کشور دارند. حرفه‌ی حسابداری شامل حسابداران رسمی مورد تایید وزارت دارایی می‌باشد. طبق قوانین مالیاتی قبل از اصلاحات ۱۹۸۸، حساب‌نامه‌های شرکت‌ها که به منظور پرداخت مالیات تهیه می‌شد، می‌بایست به امضای یک حسابدار رسمی، در مقام مسئول حسابداری شرکت، می‌رسید. اما در پی اصلاح این قوانین، ضرورتی ندارد که حسابداران شرکت‌ها از بین حسابداران رسمی باشند.

حرفه‌ی حسابرسی شامل حسابرسان قانونی تایید شده توسط وزارت دادگستری می‌باشد. **قانون حسابرسان قانونی<sup>۱۵</sup>** به عنوان شخصیت حقوقی حسابرسان رسمی، مسئولیت تدوین استانداردهای حسابرسی را نیز به عهده دارد. علاوه بر افراد عضو این سازمان، موسسات خصوصی حسابرسی، موسسات حرفه‌ای بین‌المللی و هیئت بازرسان مالی<sup>۱۶</sup> که بخشی از وزارت دارایی است نیز می‌توانند وظیفه‌ی حسابرسی قانونی صورت‌های مالی سالانه‌ی شرکت‌ها را انجام دهند. موسسات حسابرسی خصوصی، علاوه بر حسابرسی، خدمات حسابداری، نرم‌افزاری، مالیات و مشاوره نیز ارائه می‌کنند. شرکت‌های سهامی و هیئت حسابرسان قانونی<sup>۱۷</sup> داشته باشند که تعداد آنها ۳ یا ۵ نفر است و اغلب برای دوره‌ای کم‌تر از سه سال انتخاب می‌شوند.

علاوه بر حسابرسی قانونی، برخی از شرکت‌های بزرگ از موسسات حسابرسی بین‌المللی درخواست انجام حسابرسی مستقل مطابق استانداردهای بین‌المللی حسابرسی می‌نمایند.

نسخه‌ی فعلی طرح حسابداری رسمی در اکتبر ۱۹۸۹ منتشر شد. و در ۱۹۹۱ به منظور ملحوظ نمودن هفتمین منشور عمومی اتحادیه‌ی اروپا، تکمیل گردید. طرح حسابداری رسمی از چهارده بخش تشکیل می‌شود و تنها شامل مسائل مربوط به حسابداری مالی است و حسابداری صنعتی را در بر نمی‌گیرد.

مستقبل حسابرسی در ایران

مسئولیت تهیه و ارائه‌ی صورت‌های مالی با هیئت مدیره‌ی شرکت‌ها است. صورت‌های مالی می‌بایست برای اخذ تصمیمات اقتصادی مفید باشند و به منظور کارایی بیشتر تر بازار سرمایه و ایفای مسئولیت پاسخ‌گویی مدیریت منتشر شود. استفاده‌کنندگان شامل سرمایه‌گذاران، وام‌دهندگان، کارگران، بستانکاران و سایر نهادهای قانونی و به طور کلی عموم می‌باشند. در فهرست استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از مدیریت نام برده نمی‌شود. چرا که اطلاعات مورد نیاز مدیریت بیش‌تر از طریق حسابداری صنعتی تامین می‌شود که این بخش از حسابداری، استانداردگذاری نشده است.

خصوصیت کیفی اصلی اطلاعات صورت‌های مالی قابل فهم بودن آنها توسط استفاده‌کنندگان است. مفید بودن صورت‌های مالی به ۳ خصوصیت مربوط بودن، قابل اتکا بودن و قابلیت مقایسه بستگی دارد. یکی از اهداف طرح حسابدار رسمی تشویق استاندارد نمودن عناوین و طبقات حساب‌ها است. بدین منظور طرح کلی ساختار حساب‌ها، از طریق ارائه‌ی تراز کل در متن طرح حسابدار رسمی ارائه شده است. با این حال شرکت‌ها می‌توانند عناوین حساب و کدگذاری متفاوتی را ملاک عمل قرار دهند.

صورت‌های مالی، گزارش و افشاهای

مورد نیاز برای شرکت‌های سهامی و شرکت‌ها با مسئولیت محدود یکسان است و شامل موارد زیر است:

- (۱) ترازنامه، صورت سود و زیان و یادداشت‌های صورت‌های مالی.
  - (۲) گزارش هیئت مدیره.
  - (۳) گزارش هیئت حسابرسی.
  - (۴) صورتجلسه‌ی مجمع عمومی در خصوص تصویب حساب‌ها و تقسیم سود.
- بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ باید این مدارک در روزنامه‌ی رسمی و روزنامه‌ای که در محل اصلی شرکت توزیع می‌شد، منتشر می‌گردید و در اختیار سازمان ثبت شرکت‌ها نیز قرار می‌گرفت. از ۱۹۹۰ درج آنها در روزنامه الزامی نیست. اطلاعات فوق می‌بایست یک ماه قبل از تاریخ مجمع عمومی سهامداران در دفتر مرکزی شرکت برای اطلاع سهامداران موجود باشد. در طرح حسابدار رسمی شکل و محتوای صورت‌های مالی شامل ترازنامه، سود و زیان و یادداشت‌ها مشخص گردیده است. صورت‌های مالی شرکت‌های کوچک می‌تواند به صورت خلاصه تهیه شود.
- گزارش هیئت مدیره شامل بررسی وضعیت و میزان توسعه‌ی فعالیت‌های شرکت می‌باشد. در این گزارش باید وقایع مهمی که تا پایان سال مالی به وقوع پیوسته، چگونگی پیشرفت‌های آتی شرکت، فعالیت‌های تحقیق و توسعه و اطلاعاتی درباره‌ی تحصیل سهام خزانه ارائه شود. طبق قانون، شرکت‌ها باید توسط حسابرس قانونی ذی‌صلاح که عضو هیئت حسابرسی شرکت نیز هست حسابرسی شوند. این الزام به دو عامل بستگی دارد:
- (۱) شکل واحد تجاری (کلیه‌ی شرکت‌های سهامی باید حسابرسی شوند).
  - (۲) اندازه‌ی شرکت. طبق این ضابطه کلیه‌ی شرکت‌های با مسئولیت محدودی که برای دو سال پیاپی دو یا سه شرط زیر را داشته باشند مشمول حسابرسی قانونی هستند:

# اصول برترین تمهیدات حسابرسی نهادهای بین‌المللی

اصول برترین تمهیدات حسابرسی نهادهای بین‌المللی، به منظور ارتقای شفافیت و پاسخ‌گویی در سازمان‌های دولتی و غیردولتی، به منظور افزایش اعتماد عمومی و بهبود عملکرد مالی، تدوین شده است. این اصول بر مبنای استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و با در نظر گرفتن نیازهای کشورهای در حال توسعه تدوین شده است.

نوشته:

*Intosi Working Group on the Audit International Institution*

ترجمه: ابوالفضل یوسف نژاد

یا بدون آن بین دو یا چند کشور یا سازمان دولتی تاسیس شده و در آن منافع مالی مشترکی داشته و آن را سرپرستی می‌نمایند.

هدف این نهادها می‌تواند دستیابی به همکاری بین‌المللی در ارتباط با موضوعات اقتصادی، فنی، اجتماعی، فرهنگی یا انسانی باشد. این هدف با همکاری حوزه‌های



نهادهای بین‌المللی، اساساً با مشارکت یا تضمین‌های دولت‌های عضو از محل وجوه عمومی تاسیس می‌شوند. موسسات عالی حسابرسی علاقه‌مندند که سازمان‌های بین‌المللی شفافیت و پاسخ‌گویی شایسته‌ای داشته باشند و قویاً اعتقاد دارند که نظام‌های مستقل و سازمان‌یافته

نظارتی، امنیت، مالی، تحقیقات علمی، محیط زیست یا اجرای پروژه‌های مختلف می‌باشد.

اعضای اینتوسای براین باورند که پاسخ‌گویی، شفافیت اداری و مدیریتی در برخی سازمان‌های بین‌المللی با استانداردهای موجود مطابق نیست و نظام‌های حسابرسی آن‌گونه که باید کارآمد نمی‌باشد. در بسیاری موارد، نظام‌های حسابرسی سال‌ها پیش

حسابرسی موجبات کنترل و شفافیت بیشتری را جهت نیل به اثربخشی، کارایی و صرفه‌اقتصادی این سازمان‌ها فراهم می‌نمایند.

در ذیل تعریفی برای توصیف اصول برترین تمهیدات حسابرسی سازمان‌های بین‌المللی ارائه می‌شود:  
یک سازمان بین‌المللی سازمانی است که براساس موافقت‌نامه

تدوین شده است و روی موفقیت در تعاملات این‌گونه موسسات بیش‌تر تمرکز دارند تا اطمینان از مصرف درست و اثربخش اعتبارات دولتی.

در نتیجه، اختیارات حسابرسی و نظام حسابرسی اغلب بی‌استفاده می‌باشند و حساب‌نامه‌ها و حسابرسی‌ها نیز بیش‌تر به فرایند بودجه متمایل هستند تا اقناع افکار عمومی از مصرف منابع دولتی به طریقی شفاف و معقول. سازمان ایتنوسای براین باور است که حسابرسی برون سازمانی اثربخشی عامل مهمی در مدیریت بهتر سازمان‌های بین‌المللی است و اعضای ایتنوسای مصمم به دست‌یابی به این هدف می‌باشند. از این‌رو سازمان و اعضای آن اقدام به ارتقاء نظام حسابرسی نموده‌اند تا با به رسمیت شناختن تخصص‌ها و استقلال جامعه‌ی نهادهای عالی حسابرسی در عرصه‌ی حسابرسی رعایت و عملکرد، نسبت به حسابرسی سازمان‌های بین‌المللی دل‌گرم و تقویت شوند. در ۲۰۰۱ سازمان ایتنوسای کارگروهی با شرح وظایفی که از پی می‌آید تاسیس نمود: کنگره‌ی بین‌المللی هفدهم (اینکوسای) با تشخیص اهمیت این که موسسات عالی حسابرسی در صدد استقرار و حفظ سیستم مناسب حسابرسی منابع مدیریت شده توسط سازمان‌های بین‌المللی می‌باشند، توافق نمود که به کار تدوین رهنمودهایی در زمینه‌ی نظام حسابرسی سازمان‌های بین‌المللی و رهنمودهای تکمیلی در کاربرد استانداردهای حسابرسی در این‌گونه سازمان‌ها ادامه دهد.

در ۲۰۰۴ اصول ذیل به‌عنوان بهترین نظام حسابرسی سازمان‌های بین‌المللی توسط کارگروه مزبور تدوین شد و به تصویب کنگره‌ی هجدهم سازمان ایتنوسای رسید. این اصول را موسسات عالی حسابرسی، سازمان‌های بین‌المللی و نمایندگان ملی، و دولت‌های مربوط به کار خواهند بست.

نظام حسابرسی به منظور کارآمدی باید از این موارد اطمینان دهد:

- ۱- همه‌ی موسسات بین‌المللی مورد حمایت مالی دولت باید تحت حسابرسی موسسات عالی حسابرسی قرار گیرند تا به پاسخ‌گویی، شفافیت و مدیریت بهتر نایل شوند.

هم چنین اطمینان حاصل شود که حسابرسی برون سازمانی:

۲- در اجرای حسابرسی کاملاً مستقل است.

۳- اختیارات و قدرت کافی را در اجرای حسابرسی دارد به نحوی که به بهترین تجربه‌ی حسابرسی وجوه دولتی نایل می‌شود.

۴- منابع کافی و مناسب برای انجام حسابرسی داشته باشد.

۵- حق و اختیار گزارش نتایج و یافته‌های حسابرسی به کشورهای ذی‌نفع از کانال هیات رئیسه دارد.

۶- استانداردهای حرفه‌ای و اخلاقی مربوط را رعایت می‌کند.

۷- در فضایی باز و به روشی شفاف و عادلانه انتخاب می‌شود.

فصل ۲: توضیحاتی در خصوص اصولی برای بهترین نظام حسابرسی سازمان‌های بین‌المللی

همه‌ی موسسات بین‌المللی مورد حمایت مالی دولت باید تحت حسابرسی موسسات عالی حسابرسی قرار گیرند تا به پاسخ‌گویی، شفافیت و مدیریت بهتر نایل شوند.

۱-۱- موسسات عالی حسابرسی انحصاراً به منظور حمایت از سازمان‌های بین‌المللی در تدارک و استقرار مدیریت سالم شفاف و پاسخ‌گو تعیین شده‌اند. این امر از استقلال قانونی رویه‌های سنتی موسسات عالی حسابرسی در سطح ملی آنان پیروی می‌نماید. هم چنین موسسات عالی حسابرسی تجربه‌ای در زمینه‌ی کارشناسی و بررسی نیاز به افکار عمومی خواهند داشت تا به افکار عمومی اطلاعات موضوعات مالی ارائه نمایند.

۲-۱- سازمان‌های بین‌المللی در اساسنامه با هم تفاوت دارند. به عنوان نمونه آنها تحت قوانین بین‌المللی به عنوان یک نهاد قانونی تاسیس شده‌اند و ممکن است براساس اساسنامه خود به تعهدات مختلفی ملزم شوند. هیات رئیسه شامل نمایندگان همه‌ی کشورهای عضو در مورد این قوانین از جمله قوانین مالی، مقررات مربوط به مدیریت مالی، بودجه، حسابداری و حسابرسی تصمیم می‌گیرد. مدیریت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی را در چارچوب تعیین شده توسط هیات رئیسه اداره می‌کنند.

۳-۱- نظام حسابرسی باید اطمینان حاصل کند که حسابرسی سازمان‌های بین‌المللی به روش کارا و اثربخش انجام می‌گیرد. هم چنین نظام حسابرسی باید مصالح قانونی کشورهای عضو را نیز رعایت نماید.

۴-۱- اثربخش‌ترین حالت این است که حسابرسی فقط توسط یک موسسه‌ی عالی حسابرسی انجام گیرد، ولی وقتی که سازمان‌های بین‌المللی رشد می‌کنند، به خصوص وقتی که اعضا، برنامه‌های بزرگی را بنا می‌نهند، مناسب‌تر این است که ۲ یا چند موسسه‌ی عالی حسابرسی عضو تعیین شوند. لذا کشورهای عضو ممکن است گروهی از حسابرسان را برای حسابرسی منصوب نمایند. فقط مواردی که موسسه‌ی بین‌المللی خیلی بزرگ باشد، معقول خواهد بود که گروهی از حسابرسان کل منصوب شوند، همان‌گونه که در سازمان ملل متحد (un) وجود دارد.

۵-۱- انتصاب و تعیین یک موسسه‌ی حسابرسی برای

حسابرسی سازمان بین‌المللی به معنی انعطاف بسیار زیاد نظام حسابرسی و سهولت ارتباطات می‌باشد.

۶-۱- اگر دو یا چند موسسه‌ی عالی حسابرسی، حسابرسی سازمان بین‌المللی را انجام دهند، نظام حسابرسی کماکان کاملاً انعطاف‌پذیر خواهد بود. به علاوه این که موسسه‌ی بین‌المللی از این موضوع بهره‌مند خواهد شد که دیدگاه‌های متفاوتی در حسابرسی از آنها ارائه خواهد شد.

۷-۱- بعضی مؤسسات عالی حسابرسی تجربه وسیعی از حسابرسی سازمان‌های بین‌المللی دارند در حالی که برخی دیگر تجربه‌ای کم‌تر دارند یا اصلاً بی‌تجربه هستند. تشریک مساعی بین این‌گونه مؤسسات عالی حسابرسی می‌تواند به نفع هر دو گروه باشد.

۸-۱- موسسه‌ی بین‌المللی حسابرس باید مداوماً ارزیابی کند که آیا تغییر و تکامل موسسه تغییر در نظام حسابرسی به دنبال دارد یا خیر. در مواردی که اصولاً حوزه‌ی کاری و ساختار موسسه بین‌المللی تغییر می‌کند نظام حسابرسی در صورت لزوم باید خیلی دقیق و به روز تدوین شود.

حسابرس برون سازمانی در اجرای حسابرسی کاملاً مستقل است.

۱-۲- حسابرس مؤسسات بین‌المللی باید در تعیین حوزه‌ی حسابرسی، روش و منابع آن آزاد باشد.

۲-۲- حسابرس مؤسسات بین‌المللی باید مستقل از مدیریت باشد.

۳-۲- حسابرس نباید از کشورهای عضو دستورالعمل درخواست یا دریافت کند. اغلب مواقع حسابرس نیاز به بحث درباره‌ی موضوعات ریسک و روش حسابرسی با مدیریت یا کشورهای عضو دارد. اگر تصمیمات حسابرسی فقط توسط حسابرس اخذ شود، این روش جمع‌آوری اطلاعات ضروری مثمر‌تر خواهد بود.

۴-۲- قوانین و مقررات مالی باید شامل مواردی باشند که تکلیف نماید حسابرس فقط توسط هیات رئیسه انتخاب شود و به آن پاسخگو باشد.

۵-۲- قوانین و مقررات مالی مربوط به حسابرس برون سازمانی باید تکلیف نمایند که حسابرسی محدودیتی در اجرای هر نوع وظیفه‌ی حسابرسی که در چارچوب وظایف برای رسیدن به اهدافی که لازم تشخیص می‌دهد ندارد.

۶-۲- فقط حسابرس باید مسئول اجرای حسابرسی شامل تعیین دامنه‌ی حسابرسی و روش انتخابی باشد.

۷-۲- فقط هیات رئیسه می‌تواند از حسابرس برای انجام حسابرسی خاص و اضافه کار حسابرسی درخواست نماید. حسابرس برای پذیرش چنین درخواستی، باید علاوه بر انجام وظایف محوله و اصلی خود، توانایی انجام حسابرسی خاص و اضافه کار حسابرسی را نیز داشته باشد. حسابرس باید مطمئن باشد که حسابرسی خاص و اضافه کار حسابرس با اختیارات و صلاحیتش سازگاری دارد.

۸-۲- استقلال حسابرس نباید توسط عوامل دیگری تحت تاثیر و تحت الشعاع قرار گیرد. عواملی مانند نبود اختیارات، منابع، حق گزارشگری، آن‌گونه که در قسمت‌های ذیل اصول ۳ تا ۵ شرح خواهیم داد.

۹-۲- باید دریافت کرد که حسابرس مستقل باشد. یعنی این که حسابرس باید در بررسی موضوعات حسابرسی بی‌طرف و عینیت‌گرا باشد، علایق شخصی نداشته باشد از هرگونه فشار خارجی آزاد باشد و گزارش نتایج خود را فقط براساس مدارک و شواهد به دست آمده و براساس استانداردهای مربوط بنا نهد.

حسابرس برون سازمانی باید اختیارات کافی در اجرای حسابرسی داشته باشد به نحوی که به بهترین تجربه حسابرسی و جوه دولتی نایل شویم.

۱-۳- هیات رئیسه مسئول ایجاد سیستم‌های موثری است که پاسخ‌گویی، شفافیت و سلامت عملکرد را ارتقا می‌دهد. و به این ترتیب سیستم‌های حسابداری منابع مالی اهدایی قابل اطمینانی ایجاد می‌کند.

نگهداری به منظور اطمینان از این که منابع مالی به خوبی مصرف می‌شوند. وظیفه‌ی حسابرس ارزیابی مستقل این سیستم‌ها می‌باشد. اما واضح است که بهترین حسابرسی نمی‌تواند سیستم مدیریت ناکارآمد و ناقص را تصحیح کند.

۲-۳- اختیارات حسابرسی باید شامل حسابرسی رعایت و حسابرسی عملکرد باشد. در این زمینه استانداردهای ایتنوسای در مورد حسابرسی رعایت و حسابرسی عملکرد می‌تواند به کار آید.

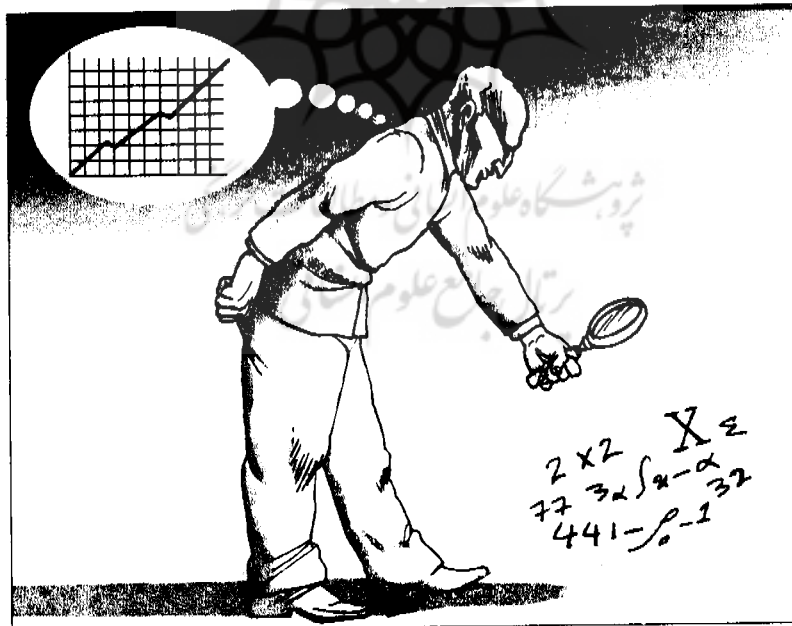
۳-۳- حسابرسی رعایت شامل موارد زیر می‌شود:

حسابرسی کنترل‌های داخلی و عملکرد حسابرس داخلی  
حسابرسی درستی رویه‌های تصمیم‌گیری مدیریت در نهاد مورد رسیدگی و حسابرسی

۴-۳- حسابرسی عملکرد با اثربخشی، کارایی، و صرفه اقتصادی مرتبط است و شامل مواردی است که از پی می‌آید:  
حسابرسی اقتصاد فعالیت‌های مدیریتی با تطبیق آنها با رویه‌ها و اصول مدیریت سالم و سیاست‌های مدیریت، حسابرسی کارایی

# روش‌های تحلیلی در حسابرسی

سیده محمدرضا بنی فاطمی کاشی



قبول را گردآوری می‌کند. در واقع روش‌های حسابرسی عملیاتی هستند که حسابرس به منظور کسب اطلاعات، مدارک و شواهد کافی و قابل اطمینان انجام می‌دهد تا به استناد آنها قادر به اظهار نظر حرفه‌ای درباره‌ی صورت‌های مالی باشد. کیفیت یا قابلیت قبول بالای شواهد حاصل از

روش‌های تحلیلی که می‌تواند با سرعت و صرف هزینه‌ی کم به دست آید و نیز کاربرد گسترده‌ی آنها در فرآیند حسابرسی موجب شده است که روش‌های تحلیلی به صورت یکی از مهم‌ترین روش‌های حسابرسی همواره مورد استفاده‌ی حسابرسان قرار

به دست آورد. (بخش ۵۰ استانداردهای حسابرسی - بند ۲). حسابرس مستقل با استفاده از روش‌های حسابرسی مختلفی شامل بازرسی، مشاهده، پرس‌وجو، دریافت تاییدیه، محاسبه و روش‌های تحلیلی شواهد حسابرسی کافی و قابل

همان‌طور که در بند ۲ بخش ۲۰ استانداردهای حسابرسی، هدف و اصول کلی حسابرسی صورت‌های مالی، بیان شده است، هدف حسابرسی صورت‌های مالی این است که حسابرس مستقل بتواند درباره‌ی این که تا صورت‌های مالی از

تمام جنبه‌های با اهمیت، طبق استانداردهای حسابداری تهیه شده است یا خیر، اظهار نظر کند. حسابرس مستقل برای این که بتواند به نتیجه‌گیری‌های منطقی دست یابد و براین اساس نظر حرفه‌اش را اظهار کند، باید شواهد کافی و قابل قبولی



گیرد. در این نوشتار موضوعاتی مورد بحث قرار می‌گیرد که موجب ارتقای کیفیت روش‌های تحلیلی مورد استفاده‌ی حساب‌برسان مستقل می‌شود.

عواملی مانند فشارخون و وزن بیمار معمولاً در معاینه جسمانی او مورد بررسی قرار می‌گیرند در معاینه پزشکی انجام شده نیز نمی‌توان بدون مطالعه سابقه پزشکی، تفسیر مناسبی از وضعیت بیمار ارائه کرد.

تحلیلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین هر چه نتیجه مورد انتظار از ویژگی‌های کمی و کیفی بهتری برخوردار باشد اجرای روش تحلیلی با کیفیت مطلوب‌تر و اثربخشی بیشتر انجام می‌شود.

طبق بند ۳ بخش ۵۲ استانداردهای حسابرسی، روش‌های تحلیلی<sup>۱</sup> یعنی تجربه و تحلیل نسبت‌ها و روندهای عمده شامل پی‌جویی نوسان‌های و روابط مالی و غیرمالی به دست آمده که با سایر اطلاعات مربوط مغایرت دارد یا از مبالغ پیش‌بینی شده، انحراف دارد. روش‌های تحلیلی می‌تواند به شیوه‌های گوناگونی اجرا شود. دامنه‌ی این شیوه‌ها از مقایسه‌های ساده تا تجزیه و تحلیل‌های پیچیده متکی بر روش‌های آماری پیشرفته، گسترده است. انتخاب روش‌های تحلیلی، شیوه‌های اجرا و میزان استفاده حساب‌برس از آنها، به قضاوت حرفه‌ای حساب‌برس بستگی دارد.<sup>۲</sup>

حساب‌برسان معمولاً از سه روش اساسی زیر برای تعیین نتیجه مورد انتظار استفاده می‌کنند.

(۱) تحلیل روند<sup>۳</sup>: مقایسه مانده‌های یک حساب با مانده سال قبل یا روندی از مانده‌های دو یا چند دوره.

(۲) تحلیل نسبت<sup>۴</sup>: مقایسه نسبت محاسبه شده برای سال جاری با نسبت مربوط در سال قبل، متوسط صنعت یا بودجه. این نسبت‌ها معمولاً بر مبنای اطلاعات صورت‌های مالی محاسبه می‌شوند.

(۳) روش‌های مبتنی بر الگو<sup>۵</sup>: استفاده از اطلاعات مربوط به صنعت، اطلاعات عمومی اقتصادی، اطلاعات خروجی و سایر اطلاعات موجود در واحد مورد رسیدگی برای محاسبه نتیجه مورد انتظار. برای تعیین نتیجه مورد انتظار در روش‌های مبتنی بر الگو از دو روش آزمون منطقی بودن<sup>۶</sup> و تحلیل رگرسیون<sup>۷</sup> استفاده می‌شود.

روش‌های مبتنی بر روند و نسبت با روش‌های مبتنی بر الگو در دو موضوع اساسی زیر تفاوت دارند:

● در حالی که، محاسبه نتیجه مورد انتظار تلویحاً به تحلیل‌های روند و نسبت اشاره دارد، محاسبه نتیجه مزبور بر مبنای روش‌های مبتنی بر الگو صراحت دارد.

● در روش‌های مبتنی بر الگو از اطلاعات خروجی و عملیات و هم چنین اطلاعات مالی برای محاسبه مانده‌های مورد انتظار استفاده می‌شود.

طبق بند ۴ بخش ۵۲، روش‌های تحلیلی شامل ارزیابی نتایج حاصل از مقایسه اطلاعات مالی واحد مورد رسیدگی با اطلاعاتی مانند اطلاعات مقایسه‌ای دوره‌های قبل، نتایج مورد انتظار واحد مورد رسیدگی و اطلاعات مشابه در صنعت می‌باشد. بنابراین در اختیار داشتن یک نتیجه مورد انتظار پیش‌نیازی برای اجرای روش‌های تحلیلی است زیرا نتیجه مورد انتظار باید با مانده ثبت شده یا سایر شاخص‌های ناشی از مانده‌های ثبت شده مقایسه شود تا عامل بالقوه برای تحریف صورت‌های مالی بررسی گردد.

بدون یک نتیجه مورد انتظار به عنوان اولین بخش از فرآیند اجرای روش‌های تحلیلی، روش مزبور به طور بالقوه تحت تاثیر سایر اطلاعات نامربوط قرار می‌گیرد. برای مثال، مقایسه مانده حساب‌های سال قبل و سال جاری بر مبنای این پیش فرض صورت می‌گیرد که مانده‌های سال قبل نشان می‌دهد که اقلام سال جاری چه مبالغی باید باشند. استفاده از رویکرد مقایسه اقلام سال قبل و سال جاری این امکان را برای حساب‌برسان فراهم می‌کند تا آنان بتوانند اقلام دارای تغییرات قابل ملاحظه نسبت به سال قبل را تعیین کنند.

استفاده از روش‌های تحلیلی بدون تعیین نتیجه مورد انتظار در شروع آن را می‌توان با کار پزشکی مقایسه کرد که یک بیمار را بدون در نظر گرفتن سوابق پزشکی وی معاینه کند. بدیهی است از آنجایی که

روش‌های تحلیلی به ارزیابی اطلاعات صورت‌های مالی از راه مطالعه روابط بین اطلاعات مالی و غیرمالی می‌پردازد. اجرای روش‌های تحلیلی اساساً از چهار مرحله‌ی زیر تشکیل می‌شود:

(۱) برآورد نتیجه‌ی مورد انتظار<sup>۲</sup> از یک حساب.

(۲) مقایسه مانده‌ی حساب طبق مدارک شرکت با نتیجه‌ی مورد انتظار.

(۳) پی‌جویی انحراف‌های عمده از نتیجه‌ی مورد انتظار.

همان‌طور که در فرآیند اجرای روش‌های تحلیلی ذکر شد نتیجه‌ی مورد انتظار، نقش با اهمیتی در اجرای روش‌های تحلیلی و ارتقای کارایی آن دارد زیرا به عنوان یک مقیاس و شاخص برای اجرای روش‌های

## شفافیت و افشاکاری در صورت‌های مالی موسسات مالی

مشغولند». گفتنی است که رابطه‌ی امانت‌داری یا رابطه‌ای مشابه پشتوانه‌ی قانونی دارد. این دارایی‌ها را نباید دارایی‌های بانک به‌شمار آورد، و از این رو نباید آنها را در ترازنامه‌ی بانک منعکس کرد؛ [بند ۵۵ استاندارد حسابداری بین‌المللی ۳۹].

استاندارد حسابداری بین‌المللی ۳۲ با عنوان *افزارهای مالی: افشا و ارائه*، به افشا و ارائه‌ی افزارهای مالی در صورت‌های مالی واحدهای تجاری، از جمله بانک‌ها، می‌پردازد. معاملات افزارهای مالی می‌تواند سبب انتقال یک یا چند خطر مالی به طرف معامله، به ویژه بانک‌ها شود. افشاکاری‌های الزامی شده شامل اطلاعاتی است که به کمک آن‌ها استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌توانند حدود مخاطرات افزارهای مالی درج شده و درج نشده در ترازنامه را ارزیابی کنند. واحدهای تجاری، از جمله بانک‌ها، باید اهداف و رویه‌های مدیریت خطر مالی خود را، از جمله سیاست پوششی هر یک از انواع عمده‌ی معاملات پیش‌بینی شده - که در حسابداری پوششی به کار می‌رود - افشا نمایند. واحدهای تجاری باید برای آگاه ساختن استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از میزان کاهش خطر اعتباری در یک مقطع زمانی به‌خصوص، وجود حق تهاوت و اثر آن را در مواردی افشا نمایند که انتظار می‌رود دارایی مالی مورد نظر برحسب شرایط آن وصول شود.

بند ۹۴ استاندارد حسابداری بین‌المللی ۳۲، افشای اطلاعات بیش‌تر را به ویژه در مواردی تشویق نموده است که سبب ارتقای شناخت استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از افزارهای مالی می‌شود.

به زعم کمیته‌ی نظارتی بانکداری بازل (۲۰۰۰) الزامات افشای استانداردهای موجود (استانداردهای حسابداری بین‌المللی ۳۰ و استاندارد حسابداری بین‌المللی ۳۲) در مورد کانون‌ها و تهدیدهای خطر کفایت ندارد. حالا دیگر استاندارد حسابداری بین‌المللی ۳۰ کهنه شده و استاندارد حسابداری بین‌المللی ۳۲ باید به روز آمد شود. براساس ستون ۳ هم‌سازی جدید بازل، بانک‌های سنتی ملزمند اطلاعات بیش‌تری را پیرامون مبلغ، اجزا و ویژگی‌های سرمایه‌ی بانک‌ها و هم‌چنین شرایط و قیود افزارهای سرمایه‌ای افشا کنند. بدین وسیله اطلاعات بیش‌تری درباره‌ی ظرفیت جذب زیان‌ها و زمینه‌ی بهتری برای تجزیه و تحلیل کفایت سرمایه‌ی نهادهای مالی فراهم می‌شود.

قیمتی سرمایه را با استفاده از افزارهای مالی مشتق شده - مانند قراردادهای معاوضه‌ای، قراردادهای سلف، قراردادهای سلف استاندارد و قراردادهای اختیار معامله - به طور کامل و دقیق پوشش دهند و در نتیجه تمام تلاش خود را صرف مدیریت مخاطرات اعتباری نمایند.

مفهوم خطر در یک سیستم مالی اسلامی زمانی به نحو احسن قابل ادراک است که از دو بعد به آن توجه شود: منع قرار و آزادی عقد قرارداد. براساس شریعت اسلام، قرار یکی از عناصر ابهام است که احتمالاً متضمن ناقربینگی اطلاعات است و اعمال غیرقانونی را در پی دارد. سود آن نیز نامشروع و از منظر باورهای دین اسلام غیرمجاز است. قرار باید در چارچوب قرارداد توصیف شود و منظور از آن ابهام در مورد موضوع قرارداد است. برای مثال، تعهد فروشنده، انتقال موضوع قرارداد فروش به خریدار است. اگر فروشنده در موقعیتی نباشد که این کار را انجام دهد این امر به مثابه‌ی قرار است که در اسلام منع شده است. با وجود این، حتی در شرایطی خاص که موضوع قرارداد در زمان انعقاد موجود نیست، قرارداد معتبر قلمداد می‌شود. برای مثال، در معاملات استثنا که تولید و ساخت را شامل می‌شود - و نیز در موارد بیع سلام - که فروش محصولات کشاورزی را در بر می‌گیرد - تا زمانی که ابهامی در خصوص انتقال موضوع قرارداد به خریدار وجود ندارد، قراردادها معتبر قلمداد می‌شوند. بیع سلام به کالای‌های مشهودی (محصولات کشاورزی) مربوط می‌شود که در زمان عقد قرارداد مشخص و معین است و استثنا به ساخت یا تولید محصولاتی مربوط می‌شود که در زمان عقد قرارداد وجود ندارد اما ریز مشخصات آنها را مهندسان معین کرده‌اند. بنابراین، چنین مواردی قرار قلمداد نمی‌شود چرا که موضوع قرارداد با اندک تغییراتی تحت کنترل است.

انجام معاملات تجاری یا تصمیمات سرمایه‌گذاری در عین حال متضمن خطرپذیری است. با این وجود در چنین مواردی، خطرپذیری مبتنی بر تجزیه و تحلیل علمی و شناخت مخاطراتی است که گریزناپذیر است و باید شناسایی شود، در حالی که قمار مخاطراتی را در پی دارد که ضرورتی ندارد.

مهم‌ترین تفاوت بین قمار و خطرپذیری، در ماهیت خطر و تاثیر بالقوه‌ی آن بر رفاه اجتماعی است. قمار ارزش افزوده‌ی اقتصادی ندارد. در عوض، خطرپذیری، که بخشی جدانشدنی از فعالیت‌های اقتصادی است، ارزش افزوده‌ی اقتصادی می‌آفریند و فعلی مجاز و در حقیقت مباح است.

اسلام، خواهان آزادی کامل بازیگران اقتصادی در تمام عرصه‌ها است، البته با این شرط که قراردادها در چارچوب

۳۲ بانک‌های سنتی می‌توانند تهدیدهای ناشی از مخاطرات بازار، از جمله نرخ بهره، خطر قیمتی کالا، خطر نرخ ارز و خطر

عنوان خطر	بانک های تجارتي سنتی	بانک های اسلامی
خطر اعتباری	کاربرد دارد	کاربرد دارد (زیاد)
خطر نقدینگی	کاربرد دارد	کاربرد دارد (زیاد)
خطر ارزی و پولی	کاربرد دارد	کاربرد دارد
خطر نرخ بهره	کاربرد دارد	کاربرد ندارد
خطر بازرگانی و سرمایه گذاری	کاربرد ندارد	کاربرد دارد

منبع: ال عمر و عبدالحق (۱۹۹۶)

این جرایم به خیرات و میرات اختصاص می یابند نه آن که از سوی بانک مورد استفاده قرار گیرد. چرا که مصرف این جرایم از سوی بانک ها به معنای کسب ربا است. به علاوه، بانک های اسلامی می توانند برای تضمین مرابحه، از رهن بهره جویند، و در مواردی که مشتری از ایفای تعهد قصور می ورزد آن را به اجرا در آورند.

خطر اعتباری مضاربه زیاد است چرا که خطر اخلاقی آن زیاد است و قابلیت های بانک برای ارزیابی پروژه و دیگر فنون

مرتبط با ارزیابی محدود است.

مخاطرات نقدینگی بانک های اسلامی از نقص افزارهای سیال منطبق بر شریعت برخاسته می شود. تغییر شکل روش های مالی به افزارهای مالی قابل دادوستد دشوار است. به مجرد شکل گیری بدهی، انتقال آن به شخص دیگری قیمتی غیر از ارزش اسمی ممکن نیست. سرمایه گذاران به مجرد (ارائه) درخواست یا در اندک مدتی بعد از درخواست می توانند وجوه خود را برداشت کنند.

غیر از مالزی، در هیچ یک از کشورهای اسلامی بازار پولی بین بانکی وجود ندارد. در مالزی، بازار پولی بین بانکی در ژانویه ۱۹۹۴ به عنوان بازاری برای واسطه گری کوتاه مدت شکل گرفت، که هدف از آن عرضه منابع کوتاه مدت بر مبنای اصول شریعت است. این بازار، اولین بازار مالی اسلامی دنیا است. دادوستد بین بانکی افزارهای مالی اسلامی هم چون پذیرش حواله های بانکی، سرمایه گذاری های بین بانکی اسلامی که برپایه آن وجوه مازاد یک بانک در بانک دیگری که کمبود دارد قابل سرمایه گذاری به صورت مضاربه است و سیستم پایاپای بین بانکی چک، از فعالیت های اصلی این بازار به شمار می روند. به این وسیله، بانک های اسلامی و بانک های شرکت کننده در طرح بانکداری بدون بهره قادر خواهند بود نیازهای پولی خود را به صورتی کارآمد و اثربخش برآورده سازند.

در بحرین بانک مرکزی این کشور، مرکز مدیریت نقدینگی را در ۲۰۰۲ راه اندازی کرد تا متولی فروش اوراق بهادار سودآور شود و بدین وسیله تهدید خطر نرخ بازده را تغییر دهد. این اوراق بهادار، سه ماهه، تهاتری و برپایه قرارداد سلام است و غیر قابل دادوستد می باشند و تا سررسید نزد خریدار اولیه باقی خواهند ماند (این اوراق در کشور بحرین مشهور به سوکوک سلام است. گونه ای دیگر این اوراق، قراردادهای ۵ ساله ای اجاره است که قابل دادوستد است، اما با خطر نرخ بازده مواجه می باشد.

شریعت باشند که ربا و قرار را منع کرده است. با توجه به آزادی فعالان اقتصادی در قراردادهای و توجه به منع قرار، اسلام مخاطرات عوامل اقتصادی و مالی و اثر عناصر عارضی را پذیرفته است.

در بانک های سنتی، سپرده گذاران نسبت به دارایی های بانک ادعاهای تثبیت شده ای دارند، که این موضوع نتیجه وجود نرخ بهره ای از پیش تعیین شده برای سپرده ها است. بنابراین، بانک های سنتی صرف نظر از سودآوری واقعی خود باید تعهدات خود را در برابر سپرده گذاران ایفا کنند. در نتیجه هرگونه ابهام در مورد تحصیل سود و تغییرات ارزش دارایی های بانک صرفاً از سوی سهامداران تقبل می شود. متقابلاً ساختار بانک های اسلامی بر اساس اصل تقسیم خطر شکل گرفته است. برای مثال، در مضاربه، صاحبان حساب های سرمایه گذاری اساساً ذی نفعانی هستند که نوعی منافع سرمایه ای کوتاه مدت دارند. بازدهی سرمایه گذاری آنها در بانک نامشخص است، چرا که آنها در سود تحصیل شده بانک با سهامداران سهیم هستند. از این منظر، صاحبان حساب های سرمایه گذاری در معرض خطر از دست رفتن بخشی از سرمایه اولیه یا همه سرمایه خود قرار دارند.

جدول ۱ نشان می دهد که با این که بانک های اسلامی و سنتی، با خطر اعتباری و خطر نقدینگی روبه رو هستند، اما خطر نقدینگی در بانک های اسلامی بیش تر است چرا که آنها نمی توانند همانند بانک های سنتی ارقام معادل نقد را، که مولد بازده است، نگهداری نمایند (منظور دارایی های سیال است). به علاوه بانک های اسلامی مانند بانک های سنتی نمی توانند از اهرم سپرده ها بهره ببرند. مرابحه و اجاره بخش عمده ای دارایی های بانک های اسلامی را تشکیل می دهد. با این حال، اگر مشتریان در ایفای تعهدات خود قصور نمایند، عموماً محاکم اسلامی جرمه ای مشتریان بانک را، چه فیزیکی چه مالی، می پذیرند، اما کسب منفعت دیگری غیر از جرایم پیش بینی شده مجاز نیست.

استانداردگذاری است و این استانداردگذاری به خوبی در سرتاسر جهان پذیرفته شده است. بانک‌های اسلامی از این قاعده مستثنی نیستند.

به منظور استانداردسازی ارائه‌ی صورت‌های مالی بانک‌های اسلامی و جلب اعتماد استفاده‌کنندگان آنها در ۱۹۹۱، سازمانی غیرانتفاعی و خود نظم را بانک‌های اسلامی و دیگر ذی‌نفعان شکل دادند که به سازمان حسابداری و حسابرسی موسسه‌های مالی اسلامی (اختصاراً AAOIFI) مشهور است. شرکای پنج ابر موسسه‌ی حسابداری بزرگ جهان، عضو هیات مدیره‌ی این سازمان هستند. این سازمان که مقر آن در بحرین است، تا امروز ۱۸ استاندارد حسابداری، چهار استاندارد حسابرسی، و سه استاندارد در زمینه‌ی نظارت و نیز یک بیانیه در خصوص کفایت سرمایه منتشر ساخته است و هم اکنون کار صورت‌بندی استانداردهای شریعت را آغاز کرده است. استانداردهای حسابداری اسلامی تا حدودی متمرکز بر افشاهای بیش‌تر است که دلیل آن ویژگی‌های انحصاری بانک‌های اسلامی است. به‌هرحال، این استانداردها، بعضی خلاءهای عمده‌ی موجود در کاربرد استانداردهای حسابداری بین‌المللی را در بانک‌های اسلامی پر کرده است.

استاندارد حسابداری مالی ۱ با عنوان "کلیات ارائه و افشا در صورت‌های مالی بانک‌ها و موسسه‌های مالی اسلامی" (FAS۱) برای (استفاده در) تنظیم صورت‌های مالی بانک‌های اسلامی کاربرد دارد. این استاندارد در کلیه‌ی بانک‌های اسلامی، صرف‌نظر از شکل حقوقی، محل فعالیت یا اندازه‌ی آنها، قابل استفاده است. در این استاندارد، صورت‌های مالی که باید به صورت ادواری از سوی بانک‌های اسلامی منتشر شود تا نیازهای مشترک اطلاعات استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی برآورده شود، تعریف شده است. این نیازهای مشترک در بیانیه‌ی شماره‌ی ۱ حسابداری مالی با عنوان "اهداف حسابداری مالی برای بانک‌ها و موسسه‌های مالی اسلامی" معین شده است. استاندارد حسابداری مالی ۱ در عین حال اصول کلی ارائه‌ی اطلاعات را معین و بعضی اطلاعات لازم الافشا در صورت‌های مالی بانک‌های اسلامی مشخص نموده است تا بدین وسیله اهداف گزارش‌های حسابداری و مالی برآورده می‌شود.

استاندارد مزبور برای صورت‌های مالی که دوره‌ی تحت پوشش آنها از اول محرم ۱۴۱۷ هجری قمری یا اول ژانویه‌ی ۱۹۹۶ آغاز می‌شود قابل اعمال است.

در خصوص موضوع خطر، کلیات افشا که در استاندارد حسابداری مالی ۱ مطرح شده است، به کانون‌های خطر دارایی‌ها اختصاص یافته، که همانا میزان سرمایه‌گذاری‌ها یا سپرده‌ها در

علاوه بر مخاطرات متداول بانک‌های سنتی، بانک‌های اسلامی بر اثر ویژگی‌های متفاوت دارایی‌ها و ساختار متفاوت بدهی‌ها با مخاطراتی منحصر به فرد روبه‌رو هستند، که خطر امانت‌داری و خطر بازرگانی جایگزین شده از نمونه‌های بارز آن هستند. خطر امانت‌داری، مقوله‌ای از خطر عملیاتی است که نوعاً نتیجه‌ی نقض، تخطی یا خلف قرارداد مضاربه از سوی بانک به عنوان مضارب ناشی می‌شود و به سبب آن مضارب مبدل به بدهی بانک می‌شود. خطر بازرگانی جایگزین شده مقوله‌ای از خطر (نرخ بازده) بازار است که به انتقال خطر مرتبط با سپرده‌ها به صاحبان سرمایه مربوط می‌شود. این موضوع زمانی روی می‌دهد که بانک‌ها تحت فشارهای کاری، از بخشی از سهام مضارب از سود صرف‌نظر کنند و آن را به منظور جلوگیری از برداشت سپرده‌ها از سوی سپرده‌گذاران به آنها منتقل کنند. پیدایش این مقوله‌ی خطر، معلول ناتوانی بانک در پرداخت نرخ‌های بازدهی قابل رقابت با دیگر بانک‌های اسلامی و غیراسلامی به دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری است.

خان و احمد مسائل مرتبط با مدیریت خطر را در ۱۷ موسسه‌ی مالی اسلامی، که در ۱۰ کشور مختلف فعالند، با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه با بانکداران اسلامی بررسی کردند. به نظر می‌رسد بانکداران اسلامی خطر نرخ بازده را به عنوان حساس‌ترین خطر قلمداد می‌کنند چرا که برای مثال، قرارداد مرابحه را نمی‌توان مجدداً قیمت‌گذاری نمود و امکان استفاده از قراردادهای معاوضه برای پوشش خطر وجود ندارد. نتایج بررسی یاد شده هم چنین نشان داد که نبود بعضی ابزارهای مالی (هم چون دارایی‌های مالی کوتاه مدت و ابزارهای مالی مشتق شده) و بازار پول (به استثنای مالزی و تا حدی بحرین) مانع از مدیریت خطر در موسسه‌های مالی اسلامی است.

شاهه حسابداری موسسه‌های اسلامی

در این بخش مختصراً درباره‌ی استانداردهای حسابداری مرتبط با بانک‌های اسلامی بحث می‌شود و پس از آن به اجمال موقعیت و وضعیت کنونی افشاگری خطر طبق این استانداردها، بررسی خواهد شد.

صورت‌های مالی بانک‌ها به صورت عددی، دارایی‌ها و بدهی‌های آنها را در یک مقطع زمانی به خصوص بازتاب می‌دهد. این صورت‌ها در عین حال نشانگر درآمدها و هزینه‌های بانک‌ها به صورت عددی است که در پایان، سود خالص را بازتاب می‌دهد. ارائه‌ی این اطلاعات برای اتخاذ تصمیمات عقلایی، ضروری است و از این وجود سطح قابل پذیرشی از شفافیت الزامی است. شیوه‌ی ارائه‌ی صورت‌های مالی در شرف

در استاندارد حسابداری بین‌المللی مطرح نشده، پوشش نداده است. به علاوه، استاندارد حسابداری بین‌المللی ۳۲ مفصل‌تر از استاندارد حسابداری مالی ۱ است. شامل بانک، که پیش از این بانک اسلامی فیصل نامیده می‌شد، صورت‌های مالی ۱۹۹۸ خود را براساس دو مجموعه استاندارد، استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی موسسه‌های مالی اسلامی و استانداردهای حسابداری بین‌المللی تهیه و تنظیم نمود و به این ترتیب نشان داد که تفاوت‌ها، جزئی و به صورتی است که در جدول ۳-۳ ترسیم شده است. تفاوت عمده، نبود بهره در صورت‌های مالی بانک‌های اسلامی است. سود عمدتاً از سرمایه‌گذاری‌ها ناشی می‌شود.

براساس مطالب یاد شده، به نظر می‌رسد تنظیم صورت‌های مالی و یادداشت‌ها براساس استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی موسسه‌های مالی اسلامی سبب افشای اطلاعات بهتر و مفهوم‌تر برای استفاده‌کنندگان خواهد شد. به ویژه در مورد سرمایه‌گذاری‌های محدود شده و محدود نشده که اساساً در استانداردهای حسابداری بین‌المللی نیامده‌اند. این سرمایه‌گذاری‌ها از فعالیت‌های اصلی بانک‌های اسلامی به‌شمار می‌روند. بنابراین، زمانی که استانداردهای این دو مجموعه با یکدیگر سازگاری ندارند، استانداردهای حسابداری مالی موسسه‌های مالی اسلامی (FASs) تصویری «منصفانه‌تر و واقعی‌تر» از استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASs) فراهم می‌سازد زیرا استانداردهای حسابداری مالی موسسه‌های مالی اسلامی محتوای نتایج یک معامله‌ی منطبق با اسلام را بازتاب می‌دهد.

اسماعیل و عبداللطیف گزارشگری مالی بانک‌های اسلامی مالزی، بحرین، ترکیه و پاکستان را بررسی کردند و با استفاده از روش‌های میدانی (پرسشنامه و مصاحبه) آنها را تا حدودی مقایسه کردند. به علاوه، آنها کاربرد استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی موسسه‌های مالی اسلامی و استانداردهای حسابداری بین‌المللی را در این بانک‌ها مطالعه کردند. یافته‌های آنها نشان داد که چارچوب گزارشگری مالی مالزی و پاکستان به صراحت یا تلویحاً منطبق بر چارچوب نظری کمیته‌ی استانداردهای حسابداری بین‌المللی است. در عین حال نتایج مطالعه‌ی آنها نشان داد که سازمان حسابداری و حسابرسی موسسه‌های مالی اسلامی از مفهوم رجحان محتوا بر شکل حمایت جدی به عمل نیاورده است. بنابراین باید در ضابطه‌گذاری افشاگری، آن‌گونه که بدهی‌ها و حقوق مشتریان و بانک‌ها را بازتاب دهد، پیشرفت‌هایی صورت گیرد.

کریم به این نتیجه رسید که دیدگاه مقامات نظارتی در مورد

دارایی‌های یک بخش اقتصادی، یک مشتری یا یک حوزه‌ی جغرافیایی کشور با ویژگی‌های اقتصادی منحصر به فرد آن است. به علاوه، باید در صورت‌های مالی بانک‌ها، مخاطرات مرتبط با خالص دارایی‌ها (خالص بدهی‌ها) که ارزی هستند، افشا شود.

در خصوص افشای خطر بازار، استاندارد حسابداری مالی ۱ خود را به این مطلب محدود کرده است: «خالص ارزش بازیافتنی یک دارایی در مواردی که از ارزش دفتری‌اش کم‌تر است باید افشا شود». با این وجود، تمام زیان‌های مورد انتظار در صورتی که به طور معقول اندازه‌پذیر باشد باید بازشناسی شود. استاندارد حسابداری مالی ۱ برای افشای خطر نقدینگی مقرر نموده است مبلغی که بانک اسلامی موظف به سپرده‌گذاری نزد دیگران است (به عنوان مانده‌ی جبرانی) افشا شود. بانک‌های اسلامی در عین حال باید توزیع حساب‌های سرمایه‌گذاری محدود نشده و معادل آنها و دیگر دارایی‌ها را برحسب نوع آنها، و نیز دوره‌های سررسید یا دوره‌ی مورد انتظار برای تبدیل آنها به وجوه نقد، افشا نمایند. بدین ترتیب نیازهای نقدینگی دوره‌ی آینده و نیازهای نقدینگی دوره‌های بعد از آن افشا می‌شود.

بانک‌های سنتی تابع استاندارد حسابداری بین‌المللی ۱ (IAS 1) با عنوان «ارائه‌ی صورت‌های مالی»، و استاندارد حسابداری بین‌المللی ۳۰ (IAS 30)، با عنوان «افشا در صورت‌های مالی بانک‌ها و موسسه‌های مالی مشابه»، هستند. همان‌گونه که پیش از این عنوان شد این استانداردها به حد کفایت به افشای خطر توجه نکرده‌اند. در حقیقت، توصیه‌های دستگاه‌های ضابطه‌گذار به ویژه کمیته‌ی نظارتی بانکداری بازل، عبارت از ارائه‌ی اطلاعات مناسب‌تر در زمینه‌ی گزارشگری خطر است.

استانداردهای حسابداری بین‌المللی (IASs) و استانداردهای حسابداری مالی سازمان حسابداری و حسابرسی موسسه‌های مالی اسلامی (FASs) به استاندارد شدن روش‌های حسابداری واحدهای تجاری، به ویژه بانک‌ها کمک کرده است، و از این راه مقایسه‌پذیری و شفافیت اطلاعات مالی این موسسه‌ها افزایش یافته است و سرمایه‌گذاران می‌توانند تصمیم‌های آگاهانه‌تری اتخاذ نمایند. با این وجود، بازنگری این دو مجموعه استاندارد برای گنجانیدن افشاگری‌های مفصل‌تر مخاطرات بانکداری و شفافیت بیش‌تر و ارائه‌ی اطلاعات بهتر در صورت‌های مالی به ذی‌نفعان الزامی است. برای مثال، می‌توان به افشای مفصل‌تر کانون‌های خطر پیش روی بانک اشاره نمود.

تفاوت اصلی استاندارد حسابداری بین‌المللی ۳۰ و استاندارد حسابداری مالی موسسات اسلامی ۱ این است که استاندارد حسابداری بین‌المللی ۳۰ نتایج معاملات منطبق با شریعت را که



پیوست ۱ - مختصری از نتیجه بررسی گزارش های سالانه بانک های سنتی (۲۰۰۱)

کشور	گروه یو بی اس	یار کلین پی ال سی	دو پیچه بانک
سوئیس	سوئیس	بریتانیا	آلمان
استانداردهای بین المللی حسابداری	استانداردهای بین المللی حسابداری	استانداردهای ملی و حسابداری بریتانیا	استانداردهای بین المللی حسابداری
خدمات بانکی ارائه شده	مشاوره، تامین مالی، بازار سازی	بانکداری، بانکداری سرمایه گذاری و مدیریت دارایی ها	بانکداری، مدیریت دارایی ها، مستغلات، فناوری و خدمات
انواع مخاطرات مورد افشا	خطر اعتباری خطر بازار خطر نرخ بهره خطر واحد پونس (ارزی) خطر نقدینگی	خطر اعتباری خطر بازار خطر نقدینگی خطر عملیاتی خطر رعایتی خطر حقوقی خطر مالیاتی	خطر اعتباری خطر قصور طرف های معامله خطر کشور خطر تسویه خطر بازار خطر نقدینگی خطر عملیاتی
فنون مدیریت خطر	ارزش آفرینی از راه خطر پذیری	آزمون های شرایط اضطراری در حوزه ارزش آفرینی از راه خطر پذیری	آزمون های شرایط اضطراری در حوزه ارزش آفرینی، از راه خطر پذیری
اوراق بهادار مشتق شده مورد استفاده	قراردادهای معاوضه ای قراردادهای سلف قراردادهای سلف استاندارد قراردادهای اختیار معامله	قراردادهای معاوضه ای قراردادهای سلف قراردادهای سلف استاندارد قراردادهای اختیار معامله	قراردادهای معاوضه ای قراردادهای سلف قراردادهای سلف استاندارد قراردادهای اختیار معامله
گزارشگری قسمتی - نوع فعالیت و صنعت	یو بی اس سوئیس یو بی اس داربورگ مدیریت دارایی های یو بی اس دفتر مرکزی	خدمات مالی خرده بارکلی کارد بانکداری سرمایه گذاری بارکلی کپیتال سرمایه گزاران برکلین گلوبال فعالیت های در حال تحول سایر عملیات	بانکداری خرد و خصوصی شرکت ها و مستغلات مؤسسات و شرکت های بین المللی مدیریت دارایی ها خدمات و فناوری های جهانی سایر

شواهد تجربی: مقایسه ی وضعیت فعلی گزارشگری خطر در گزارش سالانه بانک های غیر اسلامی با گزارش های سالانه بانک های اسلامی

در این بخش، شواهد به دست آمده در مورد وضعیت فعلی افشای خطر در سه بانک سنتی و پیشروی اروپایی و بانک های اسلامی مالزی و بحرین ارائه خواهد شد. سبب انتخاب بانک های سنتی، پیشرو بودن آنها در اروپا به لحاظ گستردگی و تنوع

ضابطه گذاری بانکداری اسلامی بیش از هر چیز متمایل به نحوه حسابداری حساب های سرمایه گذاری بانک های اسلامی است، هر چند اکثر کشورهای محل فعالیت بانک های اسلامی، استانداردهای حسابداری بین المللی را به عنوان استانداردهای ملی خود برگزیده اند یا استانداردهای ملی خود را بر اساس استانداردهای یاد شده پایه گذاری کرده اند. این امر سبب شده است صورت های مالی بانک های اسلامی با یکدیگر مقایسه پذیر نباشد.



پیوست ۲ - مختصری از نتیجه بررسی گزارش های سالانه بانک های سنتی (۲۰۰۱)

بانک اسلامی برهه مالزی	بانک شامل	اولین بانک سرمایه گذاری اسلامی	بانک اسلامی اکبری	کشور
مالزی	بحرین	بحرین	بحرین	بحرین
ریگیت مالزی	دلار ایالات متحد	دلار ایالات متحد	دلار ایالات متحد	واحد پولی
استانداردهای حسابداری مصوب و مرتبط در مالزی	استانداردهای حسابداری مالی و موسسه های مالی اسلامی	استانداردهای حسابداری و حسابرسی موسسه های مالی اسلامی	استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی موسسه های مالی اسلامی	استاندارد حسابداری
شرکت سرمایه گذاری تخصصی	بانکداری سرمایه گذاری، بانکداری خارجی و بانکداری تجاری به طور کامل	بانکداری سرمایه گذاری	بانکداری سرمایه گذاری و خدمات مالی عرضه شده	خدمات مالی عرضه شده
خطر بازار (وضعیت تهاتر و افزایش های نامنتوج در ترازنامه) خطر نقدینگی	پروفایل سررسید (تا ۱ ماه، ۳ تا ۱ سال، ۱ تا ۵ سال، بیش از ۵ سال)	خطر اعتباری، خطر نقدینگی، خطر نرخ بازده، تغییرات سودآوری بازار مربوط به ابزارهای نقدینگی و مرابحه میان مدت، خطر واحد پولی	مخاطرات نارایی ها	انواع مخاطرات مورد افشا
مشاهده نشد	اعتبار اسنادی و تضمین	نظارت بر تهیدهای ناشی از سرمایه گذاریها، تحدید معاملات به اشخاص محدود، ارزیابی اعتبار طرفهای معامله، متنوع ساختن فعالیت های سرمایه گذاری و منابع تامین وجوه	مشاهده نشد	فنون مدیریت خطر
مشاهده نشد	مشاهده نشد	مشاهده نشد	مشاهده نشد	اوراق بهادار مشتق شده مورد استقاره
بانکداری و غیره	بازرگانی و تولید، بانکها و موسسه های مالی، ساخت و ساز و غیره	مشاهده نشد	بازرگانی و تولید، بانکها و موسسه های مالی، ساخت و ساز و غیره	گزارشگری قسمت ها
مالزی و دیگر کشورها	اروپا، آمریکای شمالی، خاور میانه آسیا و غیره	مشاهده نشد	خاورمیانه، مابقی آسیا، اروپا و غیره	حوزه جغرافیایی فعالیت